مطالعات تاریخ اسلام
سال سیزدهم/ شمارهٔ ۵۰/ پاییز ۱۴۰۰، مقاله علمی- پژوهشی، صفحات ۱۴۹-۱۹۱

:20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2

عملکرد محاکم عدلیه در بندر بوشهر دردورهٔ مشروطه و علل ناکارآمدی آن

زهرا مروتی[۱]
علی‌اکبر خدری‌زاده[۲]

چکیده: با وقوع انقلاب مشروطیت و ایجاد تحول در نظام دادرسی، اجرای عدالت و برقراری امنیت اجتماعی از مهم‌ترین مطالبات سیاسی-اجتماعی مردم بندر بوشهر بود. این منطقه در یکی از حساس‌ترین برش‌های تاریخی عصر قاجار، یعنی دوران گذار از جامعهٔ سنتی به مدرن، در زمینهٔ حیات اجتماعی و سیاسی شاهد تحولات عمیقی بود. نگارندگان مقالهٔ پیش رو درصدد بوده‌اند با رویکردی نسبتاً جامع، بر مبنای مندرجات مطبوعات و نشریات، اسناد آرشیوی و کتب، به شیوهٔ توصیفی- تحلیلی علل و عوامل ناکارآمدی محاکم عدلیه در بندر بوشهر را مورد بررسی قرار دهند. در پژوهش حاضر تلاش شده است ضمن بررسی عملکرد عدلیه، فرصت‌ها و چالش‌های این اداره مورد واکاوی قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که: عدلیهٔ بندر بوشهر در انقلاب مشروطه با چه موانع و مشکلاتی مواجه بود؟ به نظر می‌رسد عوامل متعددی چون عدم تحول ساختارهای اجتماعی و سیاسی لازم در کشور، ناکارآمدی دولت در تأمین مالی عدلیه، فقدان قوانین منسجم و مدوّن نظام حقوقی، دخالت و نفوذ قدرت‌های محلی، مانند فشارها و اغتشاشات ایلات و نفوذ سیاسی اتباع خارجی، از موانع جدی فعالیت‌های عدلیه در بندر بوشهر بوده است.

واژه‌های کلیدی: انقلاب مشروطه، بندر بوشهر، محاکم عدلیه، نظام حقوقی، اسناد عدلیه بوشهر

---

۱ دانشجوی دکتری تاریخ گرایش ایران اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، تهران، ایران morovati53@gmail.com

۲ استادیار گروه تاریخ ، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره)، شهر ری، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول) khedrizadeh@ yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۱۴ تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۶/۲۳

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

A Quarterly Journal Of HISTORICAL STUDIES OF ISLAM
Vol 13, No 50, Autumn 2021
Reserch Center For Islamic History, http://journal.pte.ac.ir/
Scientific-Research, pp. 149-191

The Function of the Courts of Justice in Bushehr Port during the Constitutional Period, the Causes and Factors of its failure

Zahrah Morovati[1]
Ali Akbar KHedrizadeh[2]

Abstract: With the constitutional revolution and the fundamental change in the judicial system, implementation of justice and establishment of social security were among the most important political demands of the people in Iranian ports along Persian Gulf. This region witnessed profound changes in one of the most sensitive historical period of the Qajar era, namely the transition from traditional society to modernity in the field of social and political life. The present paper seeks to historically investigate the causes and factors of judicial inefficiency in these ports using a comprehensive approach. It relies on the contents of press and publications, archival documents and books, and uses a historical research method based on the description and analysis of historical data. The present study aims to examine the function and challenges of this the courts of justice, while examining the functions of them. This study seeks to answer the question of "What obstacles and problems the courts of justice of Iranian ports in the Persian Gulf were faced with?" It seems that several factors led to their inefficiency such as lack of change in necessary social and political structures in the country.

Keywords: Constitutional Revolution, Bushehr port, courts of justice.

1 PhD Student Department of History,Yadegar-e-Imam Khomeini(RAH)Shahre Rey Branch,Islamic Azad University,Tehran,Iran. morovati53@gmail.com

2 Assistant Professor Department of History, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran,Iran. khedrizadeh@yahoo.com

Received: 2021/04/18 Accepted: 2021/09/14

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

مقدمه

با برقراری نظام مشروطه، مفاهیم جدیدی دربارهٔ نقش مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و چگونگی رابطهٔ آنها با حکومت مورد توجه قرار گرفت. به تبع آن افکار و خواسته‌های نوگرایانه‌ای در جامعه تجلی یافت و باعث شد نهادهای مدنی جدیدی تأسیس شوند که مشارکت مدنی را به همراه داشت. درواقع، مردم از موقعیت تابعیت و رعیت صرف حکومت، به شراکت در امر حکومت ارتقا یافتند. از جمله نهادهای تأثیرگذار در بندر بوشهر اداره عدلیه بود. محاکم عدلیه یکی از نهادهای مهم حقوقی در عصر مشروطه به شمار می آمد و این امر منحصر به محاکم شهرهای بزرگ نبود. اگرچه شهرهایی چون تبریز، تهران و اصفهان در موضوع شکل‌گیری نهادهای مدنی جدی، به دلیل زمینه‌های فرهنگی موجود موفق‌تر بودند، اما اهمیت نهضت مشروطه در این بود که موفق شد تا نهادهای مدنی را مطابق با شرایط زمانی در همهٔ نقاط ایران تأسیس کند. عدلیهٔ بندر بوشهر با وجود تلاش برای برآوردن انتظارات مردم، به دلیل ریشه‌دار بودن مشکلات بر سر راه تعمیق و توسعهٔ این انتظارات، نمی‌توانست یکباره انتظارات مردم را برآورده کند و به زمان بیشتری نیاز داشت تا قدرتمند شود. با این حال، این اداره با تأثیرپذیری از تحولات قضایی عصر مشروطه، تغییراتی را تجربه کرد که دارای اهمیت بسیار بود.

با گذشت زمان محاکم عدلیه در مقام اجرا دچار کاستی‌ها و نارسایی‌هایی شده بودند و نتایج دلخواه به دست نمی‌آمد؛ زیرا بستر و زمینه‌های اجرایی آن باید مورد توجه قرار می‌گرفت. عوامل متعددی در ناکارآمدی عدلیه در بندر بوشهر تأثیرگذار بودند. ضعف دولت مرکزی و نداشتن برنامهٔ جامع برای توسعه و پیشرفت این اداره، نبود درک صحیح و درست از اهمیت استراتژیک این بندر نزد دولتمردان قاجار، فقر قوانین و منابع مدوّن و قابل دسترسی برای کارمندان محاکم، عدم توسعهٔ تعداد محاکم و اعمال و نفوذ رؤسای ایلات و عشایر، به سادگی امکان اجرای قوانین و مقررات حقوقی را فراهم نمی‌ساخت. از همین رو، به سبب فقدان تشکیلات منسجم، این اداره با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود. در این مقاله سعی شده است ضمن بررسی عملکرد عدلیه در بندر بوشهر، علل ناکارآمدی آن نیز مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

پیشینهٔ تحقیق

در زمینهٔ پیشینه تحقیق درباره عملکرد عدلیه در بندر بوشهر، تاکنون پژوهش مستقل و منسجمی صورت نگرفته است. بیشتر مقالات موجود درباره عدلیه معطوف به وزارت عدلیه و نظام قضایی ایران بوده است. بر همین اساس، با وجود خلأ پژوهشی تلاش شده است عملکرد این اداره در بوشهر از دیدگاهی جامع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از طرفی تکیهٔ اصلی این مقاله بر روزنامه‌ها و اسناد به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی این دوره قرار دارد.

از جمله مقالاتی که در زمینهٔ معرفی عدلیه به چاپ رسیده، «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطیت (۱۳۸۲) اثر سید حسن امین است.[۱] امین با نگاهی کلی، نظام قضایی ایران از دوره صفویه تا انقلاب مشروطیت را مورد بررسی قرار داده است. حمیده شهیدی نیز در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه شرع و عرف در نظام قانون‌گذاری صدر مشروطیت با تکیه بر اسناد عدلیه»[۲] (۱۳۹۸) به اقدامات دولت مشروطه در توسعهٔ قضایی و همچنین وظایف محاکم شرعی و عرفی پرداخته است. او معتقد است نمی‌توان ادعا کرد به‌طور کامل میان حوزهٔ شرع و عرف تفکیک ایجاد شده است؛ زیرا سرچشمهٔ نظام حقوقی ایران، احکام شرع بوده است. این پژوهشگر در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدلیه و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سالهای آغازین مشروطه»[۳] (۱۳۹۶) که با همکاری هادی وکیلی و عباس سرافرازی به نگارش درآمده، به بررسی انتظارات مردم از عدلیه در سال‌های آغازین پس از مشروطه پرداخته است. نتیجهٔ پژوهش نشان می‌دهد که رابطهٔ معناداری بین مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از مشروطیت با درک مفهوم مشروطیت از دیدگاه آنها وجود دارد.

---

۱ سید حسن امین (۱۳۸۲)، «نظام قضایی ایران از آغاز قاجارتا انقلاب مشروطه»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، س۲، ش۹، صص۲۹-۷۱.

۲ حمیده شهیدی (۱۳۹۸)، «جایگاه شرع و عرف در نظام قانون‌گذاری صدر مشروطیت با تکیه بر اسناد عدلیه»، *فصلنامه تاریخ‌پژوهی*، ش۷۹، صص۹۵ – ۱۱۴.

۳ حمیده شهیدی، هادی وکیلی و عباس سرافرازی (۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدلیه و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سالهای آغازین مشروطه»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، س۲۷، ش۴، صص۶۷-۸۹.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

حسین آبادیان در مقالهٔ «موازنه شرع و عرف در نظام حقوقی ایران در دوره قاجار»[۱] (۱۳۸۹) تنها به بررسی تأثیر احکام شریعت بر نظام حقوقی ایران عصر قاجار بسنده کرده است. یافته‌های این محقق نشان می‌دهد که شرع و احکام منبعث از آن در دورهٔ مورد مطالعه، در همهٔ ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم حضور داشته و بارزترین عرصهٔ حضور آن را می‌توان در نظام حقوقی این عصر ارزیابی کرد.

از جمله کتاب‌هایی که در زمینهٔ نظام حقوقی ایران عصر قاجار به چاپ رسیده، کتاب *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*[۲] (۱۳۹۰) به قلم ویلم فلور و امین بنانی است. نویسندگان در این کتاب به بررسی محاکم شرعی و عرفی نظام قضایی، تحولات نظام قضایی در دورهٔ قاجار و پهلوی، دادرسی روستایی و ایلی، اجرای احکام و اصلاحات و اصلاح گران نظام قضایی، اصلاحات اولیه، عرفی‌سازی قانون و قوانین مربوط به ازدواج و خانواده پرداخته‌اند.

در مجموع می‌توان گفت پژوهش در زمینهٔ محاکم قضایی ایران، به‌ویژه عملکرد آنها در شهرها با مشکلات بسیاری روبه‌رو است. عدم وجود منابع تحقیقاتی در این زمینه موجب شده است دانش‌آموختگان رشته تاریخ کمتر به این حوزه ورود کنند و پرداختن به موضوعاتی با مفاهیم دستگاه قضایی در میان دانشجویان رشته تاریخ از اقبال کمتری برخوردار است.

نظام حقوقی ایران از ابتدای دورهٔ قاجار تا انقلاب مشروطه

نظام حقوقی ایران عصر قاجار به‌واقع ادامهٔ منطقی نظام حقوقی دورهٔ صفویه است؛ به‌ویژه زمانی که احکام شرع، گفتار مسلط آن دورهٔ تاریخی را شکل می‌داد. در دورهٔ قاجاریه به دنبال آشنایی ایرانیان با نهادهای سیاسی و اجتماعی اروپایی و لزوم نوسازی این نهادها، بازنگری در تشکیلات قضایی هم مطرح شد. کاپیتولاسیون موجود در عهدنامهٔ ترکمانچای که به دول خارجی اعطا شد، موضوع نوسازی قضایی

---

۱ حسین آبادیان (زمستان ۱۳۸۹)، «*موازنه شرع و عرف در نظام حقوقی ایران در دوره قاجار*»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س۲، ش۷، صص۷-۲۴.

۲ ویلم فلور و امین بنانی (۱۳۸۸)، *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*، ترجمهٔ حسن زندیه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

را مؤکد می‌ساخت (بیگدلو، ۱۳۹۹: ۱۰۳). در این دوره نیز مانند دورهٔ صفوی، عملاً دو نوع محکمه وجود داشت؛ شرعی و عرفی. از آنجا که عرف ذیل شرع مفهوم پیدا می‌کرد و به قول منطقیون، نسبت آن دو عموم و خصوص مطلق بود، بین این دو حوزه تعارض و تناقضی به وجود نمی‌آمد. اساس و وظیفهٔ عدلیه مبتنی بر عدالت‌گستری و اشاعهٔ دادخواهی است که بدون ملاحظه از احدی، با کمال دقت و رسیدگی صاحبان دعوا به محکمه رجوع نموده و حقانیت را به هر طرف از متداعیین که استقرار یافت راجع دارد (*روزنامه مجلس*، ۱۳۲۵ق: ش ۱۰۴، ص۳).

محاکم شرع از آیات قرآن، فقه و شریعت اسلامی پیروی می‌کردند و محاکم عرف به مسائل جنایی می‌پرداختند. بنابراین مسائل اجتماعی شامل خرید و فروش، اختلافات شخصی، ازدواج و طلاق و مسائل مربوط به مالکیت، در محاکم شرع مطرح می‌شد و روحانیون به این مسائل رسیدگی می‌کردند. مردم به‌طور عموم به محاکم عرف اعتقاد و اعتمادی نداشتند و مشکلات خود را بیشتر با روحانیون که حاکم شرع بودند، در میان می‌گذاشتند؛ زیرا مبنای قضاوت محاکم شرع، قرآن مجید و مبنای قضاوت محاکم عرف، بیشتر میل حاکم بود که اغلب بدون دقت و توجه رأی می دادند و فوراً هم اجرا می‌شد (تاجبخش، ۱۳۸۰: ۸۴۱).

در عصر ناصری شکایات از مجرای صدراعظم به حضور شاه تقدیم می‌شد. لمبتن معتقد است به‌طور کلی برای مردم راهی برای گریز از ظلم و بی‌عدالتی وجود داشت و مطمئن بودند مرجعی برای رسیدگی وجود دارد (لمبتن، [بی‌تا]: ۱۷). از جمله اقدامات ناصرالدین‌شاه تشکیل دیوان‌خانهٔ عدلیه بود. در این دیوان‌خانه قوانین جدیدی نوشته شد که فواید زیادی برای «جمیع ممالک محروسه دولت علیه» داشت (*روزنامهٔ ایران*، ۱۲۸۸ق: نمره اول، ص۲). این دیوان مأمور ممیز و استیناف مواد محکومه در محاکم بود که موافق عادت و اخلاق و زمان با قوانین اداره می‌شد (*روزنامهٔ اختر*، ۱۲۹۲ق: س۱، نمرهٔ ۳، ص۳). در مورد چگونگی اوضاع دیوان‌خانه در روزنامه وقایع اتفاقیه آمده است: «چون رأی جهان‌آرای اقدس همایون شاهنشاهی خلدالله ملکه و سلطانه که مظهر عدل و انصاف و اشفاق و اعطاف نسبت به عموم رعایا و برایاست، متعلق بر این شده که دیوانخانه‌های عدلیه در هر یک از ممالک محروسه برقرار و امور دعاوی مردم بی‌مداهنه از روی انصاف و عدالت گذشته

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

رفع تعدی و اجحاف از میان آحاد الناس بشود، لهذا ریاست دیوانخانه اعظم پادشاهی را چنان چه در ذیل روزنامه‌جات دیگر نوشته شده، بـه عهـده کفایـت امیرالامـراء العظام معتمدالدولة العلیه واگذار فرمودنـد کـه بـه حسـن کفایـت و درایـت امـور دیوانخانه مبارکه را منتظم بدارد و به دیوانخانه‌های عدلیه ولایات هر یک امینـی از چاکران قابل دولت جاوید آیت به نیابت خود بفرسـتد و کتابچـه دسـتورالعملی بـه جهت دیوان‌بیگیان امین که معین می‌شود و استحضار حکـام ولایـات و امنـای شـرع مطاع علی‌حده مشتمل بر سی فصل امیرالامراء العظام مشارالیه نوشته به نظـر اقـدس همایون رسانده، تسلیم دیوان‌بیگیان گشته و به ولایـات خواهنـد فرسـتاد» (*روزنامـهٔ وقایع اتفاقیه*، ۱۲۷۵ق: نمره ۴۰۷، ص۲).

به‌طور کلی دستگاه قضایی عصر قاجار در سه مقطع مورد بازنگری قـرار گرفـت. یکی در عصر میرزا تقی‌خان امیرکبیر؛ دیگری در عصر میرزا حسین‌خان مشیرالدوله قزوینی؛ سـوم در تحـولات جنـبش مشـروطه؛ کـه مـورد اخیـر منتهـی بـه تشـکیل عدالت‌خانه شد. با این حال، اصلاحات مزبور بـه نـدرت سـبب اجـرای عـدالت در کشور و ارتقای نظام دادرسی و قضا شـد (دهقـانی، ۱۳۹۲: ۱۴۱). در دوران صـدارت میرزا حسـین‌خان سپهسالار وزارت عدلیه تشـکیل و تـلاش شـد بـا تـدوین قـوانین مدون -که عمـدتاً ترجمـهٔ قـوانین عثمـانی و اروپـایی بـود- و برقـراری تشـکیلات منسجم، قدم‌هایی در راه عدالت قضـایی برداشـــته شـــود. بـا ایـن حـال، بـا وجـود اصلاحات متعددی که تا انقلاب مشروطه به منظور عدالت قضایی صـورت گرفـت، همچنان کاستی‌های فراوانی در این بخش وجود داشت (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۷۰).

عملکرد عدلیه در دورهٔ مشروطه

تقاضا برای عدالت‌خانه که قبل از انقلاب مشروطه مطرح شـده بـود، بیـانگر تمایـل مردم برای استقرار عدالت بـود. سرگذشـت عدلیـه در ایـن دوره بـا خواسـت مـردم معترض به حکومت قاجاریه، برای تأسیس عدالت‌خانـه گـره خـورد. در سـال‌هـای متمادی اقداماتی در وضع و رعایت اصول، رونـدهای قضـایی و حقـوقی و سـاماندهی بهتر امور محاکم عرفی و شرعی انجام شده بود، اما این تلاش‌هـا در برابـر خواسـت اجتماعی تحقق عدل و قانون قانع کننده نبود. با انقلاب مشروطه، توجـه بـه تأسـیس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

عدالت‌خانه بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت؛ به‌طوری که بسیاری بر این باورند که انقلاب مشروطه تنش میان حکومت خودسرانه و آرزوی عمیق اجتماعی برای برقراری عدالت بود (Richard, 2019: 74).

روزنامه آفتاب دربارهٔ اهمیت تشکیل عدالتخانه و محاکم عدلیه نوشته بود: «اگر بخواهیم خرابی یا آبادی یک مملکت ذلت یا عزت یک قوم را به خوبی بفهمیم، همین قدر که به طرز محاکمه وقوانین قضائیه آن نظر انداریم کاملا مقصود خود را یافته وحقیقت را کشف کرده ایم. » (*آفتاب*، ۱۳۳۰ق: ش ۴۰، ص۲).

جریدهٔ ملی یکی از ارکان اصلی مشروطیت را اجرای عدل و قانون مساوات می‌دانست. در این نشریه آمده است: «رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند. می‌توان گفت امروز قوایم و ارکان مشروطیت که معنی انتشار عدل و قانون مساوات است برقرار شده و بنیاد اتحاد فیمابین ملت و دولت استحکام یافت. خیال استبداد و ظلم را از قلوب و اقاصی و ادانی قلع و قمع نموده و بساط عدل و داد را در وطن عزیزمان می‌گستراند» (*جریدهٔ ملی*، ۱۳۲۴ق: ص۱).

پس از مشروطه با تدوین متمم قانون اساسی و قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب سال ۱۳۲۹ق، بنیان عدلیهٔ جدید پی‌ریزی شد. طبق اصل ۲۷ متمم قانون اساسی، قوه قضائیه مستقل شد. قوه قضائیه و حکمیه عبارت از تمیز حقوق بود و این قوه مخصوص محاکم شرعیه در شرعیات و محاکم عدلیه در عرفیات بود (بشیری، ۱۳۶۲: ۱۰۲/۱). طبق اصل ۷۱، تفکیک محاکم شرع و عرف که سنت دوران صفویه بود، به رسمیت شناخته شد. همچنین طبق اصل ۷۲ قانون اساسی، رسیدگی به جرایم سیاسی در صلاحیت دادگاه‌های عام قرار گرفت. در زمان فرمانفرما وزیر عدلیه، چهار محکمهٔ ابتدایی، جزائی، استیناف و تمیز فعالیت خود را آغاز کردند. در سال‌های بعد در وزارت مشیرالدوله پیرنیا، مدعی‌العموم (دادستان) و دیوان تمیز بر تشکیلات عدلیه اضافه شد. در کمیسیون وزارت عدلیه در مجلس، تغییراتی در ساختار تشکیلات عدلیه به تصویب رسید که بر اساس آن دادگاه‌های رسمی به سه دستهٔ صلح، استیناف و تمیز تقسیم شدند. قوانین به اصول محاکمات حقوقی جزائی و تجارتی تقسیم شد و در همین دوران به تصویب رسید (فلور و بنانی، ۱۳۸۸: ۸۵). در اصول متمم قانون اساسی آمده است همهٔ شکایات باید رسماً به وزارت عدلیه و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

دادگاه‌های مدنی ارجاع شوند. نصب اعضای دادگاه‌ها براساس قانون‌خواهی است. رؤسای دادگاه‌ها نمی‌توانند مشاغل دولتی دیگری را انتخاب کنند. به استثنای مواردی، این مشاغل بدون دریافت حق‌الزحمه بوده است. در هر ایالت باید براساس اصولی که در نظام‌نامهٔ قضائی ذکر شده، استیناف تشکیل شود. وزارت عدلیه و دادگاه‌ها احکام و آرای دادگاه‌های کل کشور، ایالتی و ولایتی فقط در صورتی به اجرا درخواهند آمد که آن احکام و آرا مطابق با قوانین باشند (بشیری، ۱۳۶۷: ۵۰).

از همان دورهٔ اول مجلس شورای ملی، وزیر عدلیه به صراحت خود را در برابر خداوند مسئول می‌دانست و نه مجلس. «من هیچ حاضر نیستم و روا نمی‌دارم که به کسی ظلم شود. من مسئول پیش خدا و رسول هستم. مجلس مرا مسئول می‌داند. من خود را مسئول در برابر خدا می‌دانم. به قدر قوه خودم هم نمی‌گذارم که کسی به دیگری ظلم کند» (*مذاکرات مجلس شورای ملی*، دورهٔ اول، ۱۳۳۴، ص۱۲۴). پاسخگویی وزیر در مقابل خدا و نه مجلس، نکته‌ای بسیار مهم است که نشان می‌دهد شرع در برابر حقوق موضوعه همچنان موضع برتر خود را حفظ کرده بود. قانون اعطای اختیارات به کمیسیون عدلیهٔ مجلس و اجازهٔ اجرای قوانین عدلیه به‌طور موقت در مجلس دورهٔ چهارم مطرح شده بود (همان، ۳۶۵). *روزنامهٔ قانون* در این باره نوشته است: «آفتاب عدالت در یک ملک طلوع نمی‌کند مگر وقتی که اهل آن ملک به حفظ حقوق آدمیت، خود را مستحق عدالت ساخته باشند» (*روزنامهٔ قانون*، [بی‌تا]: نمرهٔ سی‌ام، ص۳۳).

با شروع فعالیت‌های مجلس دوم، میرزا حسین‌خان مشیرالدوله قوانین عدلیه را تنظیم کرد. این قوانین از جانب دو مجتهد تراز اول حاج میرزا یحیی خویی و سید حسن مدرس تأیید شد (مروارید، ۱۳۷۷: ۲۴۲). درحالی‌که آن زمان هیچ مادهٔ قانونی و نظام حقوقی مدونی در کشور وجود نداشت. این تلاش‌ها به «قانون اصول تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه و حکام صلحیه» منجر شد که در ۲۸ شوال ۱۳۲۸ در دستور کار مجلس دوم قرار گرفت و در ۲۱ رجب ۱۳۲۹ تصویب شد. در این قانون به ظاهر شرع و عرف از هم تفکیک شده بودند؛ حال آنکه تعمق در مفاد و مواد این قانون نشان می‌دهد که چنین تفکیکی عملاً وجود خارجی نداشته است. برای مثال، در محاکم صلحیه که از فروع محاکم عدلیه بوده، «امین صلح» و «حاکم

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

صلح» یک فقیه بوده که به مرافعات رسیدگی می‌کرد (مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۱۳۴۰ق: ص۱۸۵).

نشریهٔ *چهره‌نما* دربارهٔ تشکیلات عدلیه نوشته است: «در باب تأسیس وزارت عدلیه مقرر شده بود که چند نفر از وزرای کاراگاه قانون‌نامهٔ این عدالتخانه عامه را به طوری که جامع شرایط و حاوی دقایق ملوکانه یعنی بر وفق اساس شرع مطاع باشد نوشته و مرتب داشته، به عرض آستان معدلت بنیان همایونی برساند. اینک قانون‌نامه مزبور با ابواب و فصول صحیحه و قواعد و اصول متفقه مسطور و مرتب و بشرف لحاظ نظر انوار خسروانی موشح گردید. محض آگاهی عموم اهالی مملکت که منتظر آن هستند، در ذیل روزنامه مندرج می‌شود. از آنجایی که به حکم عقل و میزان شرع و نقل مبرهن و مسلم است که بنای مملکت و جهانداری به قوائم و قواعد عدل و انصاف برپاست بحمدالله برحسب اداره خاصه و اقتضای نیت خسروانی بنیاد دادگری و اساس عدالتی در دایره دولت و حوزه وسیعت سلطنت ایران برپا گردیده است» (*روزنامهٔ چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق: س۲، ش ۲۴، ص۴).

تشکیل عدلیه در بندر بوشهر در دورهٔ مشروطه

تا قبل از مشروطه، در بندر بوشهر عدلیه وجود نداشت و معمولاً امور مدنی به دست علما و روحانیون و جرایم جنایی، عادی و تجاری توسط حکام رسیدگی می‌شد. اگر اختلاف مهمی بود، سعی می‌شد از طریق نامه‌نگاری با فقها و حتی مراجع تقلید فرد محق تعیین شود. حکمران بنادر و نظمیه نیز به اختلافات میان افراد و کارگزاران رسیدگی می‌کرد.

بی‌عدالتی یکی از موضوعات مهمی بود که در دورهٔ مشروطه در بنادر جنوبی، به‌ویژه بندر بوشهر از اهمیت خاصی برخوردار بوده است. دربارهٔ علل ایجاد بی‌عدالتی و راه‌های از بین بردن آن، در نشریهٔ هفتگی *حبل‌المتین* آمده است: «در بنادر جنوبی سراغ نداریم از محصول اراضی در هیچ نقطه‌ای کسی بیشتر از ده یک به دولت بدهد، ولی چون قانون مساوات در بین نیست و دو نفر که همسایه یکدیگر هستند یکی ده یک می‌دهد و دیگری ده نیم یا ده ربع. ناله و فریاد رعایا به فلک می‌رسد. برخلاف آن در دول خارجه مثل بعضی جاهای هندوستان رعایا صد هفتاد و هفتاد و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

پنج که سه ربع تمام محصولات زراعتی باشد در مقابل حقوق دیوانی پرداخته، هیچ کس هیچ گفتگویی ندارد و احدی شاکی نیست. این امر تا وقتی که رفع افراط و تفریط در اصول اخذ مالیات نشود، ممکن نیست صورت ببندد و رفع افراط و تفریط بدون پیمایش اراضی و ترتیب نقشجات صحیح دشوار بلکه محال است» (روزنامهٔ *حبل‌المتین*، ۱۳۲۹ق: ش۶، ص۲). در این گزارش بی‌عدالتی و ظلم به عنوان یکی از معضلات جامعه معرفی شده است. از همین رو، توجه و علاقه به اهمیت قانون و عدل در متمم قانون اساسی مشروطه متجلی شد (بشیری، ۱۳۶۲: ۱۰۵-۱۰۶).

«چون هنوز در بندربوشهر عدلیهٔ رسمی تشکیل نشده و ممکن نبود دعاوی مردم را به عهدهٔ تعویق گذارد لذا نایب‌الحکومه شعبهٔ موقتی تشکیل داده به تصویب و تصدیق علما و تجّار به عرایض مردم رسیدگی می نمایند » (*روزنامهٔ مظفری*، ۱۳۲۸ق: ش۳، ص۱۲). آنها نیز به امور قضایی رسیدگی می‌کردند، اما در پرونده‌های منجر به قصاص و اعدام، پرونده به مقام بالادست یعنی حکمران بنادر ارجاع می‌شده است. «اگرچه مرافعات بوشهر را چندان اهمیتی نیست که قابل درج اخبار باشد، مگر چون که تازگی دارد صورت محاکمات این ایام را مندرج می‌داریم و امیدواریم این ترتیب برقرار بماند و هم سرمشق مأمورین و حکام جاهای دیگر شود» (*روزنامهٔ مظفری*، ۱۳۲۸ق: ش۳، ص۱۳).

با بروز انقلاب مشروطه، از طرف حکومت مرکزی دستورهایی به حاکم بوشهر مبنی بر تشکیل دیوان عدالت و عدلیه صادر شد. این دیوان نیز مانند تشکیل انجمن بلدیه خودگردان بوده وحق داوری قاضی با پیش‌پرداخت یک‌دهم مبلغ مورد ادعا معین می‌شد.حاکم و یا دریابیگی نیز بر این دیوان عدالت یا عدلیه نظارت داشتند (کاکس، ۱۳۸۶: ۱۰۲). از جمله حکمرانانی که اصلاحات بسیاری در امور دادرسی بندر بوشهر انجام داد، موقرالدوله بود. وی نه تنها موفق به انتظامات داخلی شد، بلکه خود مراقب صحت جریان دادرسی‌ها بود. قاعدهٔ خلع سلاح صحراییان را جاری ساخت و قلعهٔ کوچکی در یک فرسخی بوشهر بنا کرد و مقرر داشت اهالی صحرا همین که به شهر می‌آیند، اسلحه خود را در آنجا تسلیم کنند و چون مراجعت کنند، پس گیرند (سعادت کازرونی، ۱۳۹۰: ۱۹۱). سردبیر نشریهٔ هفتگی *یادگار* جنوب اقدامات موقرالدوله در ایجاد امنیت و اصلاح عدلیه را مورد تحسین

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

و تمجید قرار داده و امیدوار بود دیگر بنادر جنوبی کشور نیز از این امنیت برخوردار شوند (*یادگار جنوب*، ۱۳۲۹ق: س ۱، ش ۳۲، ص۶).

لوریمر دربارهٔ وظایف روزمرهٔ موقرالدوله و چگونگی رسیدگی به جرایم در این دوره نوشته است: «حکمران بنادر تمامی روزها به استثنای روز جمعه از آغاز صبح تا اواسط بعد از ظهر را در عمارت چهاربرج به کار اشتغال دارد. در اینجا هنوز مطابق رسوم ایرانی و بر طبق دستور او کارمندان به چوب و فلک کردن مشغول هستند. مسائل مدنی معمولاً در دست محاکم شرعی قرار دارد که علی‌القاعده براساس قرآن است. برای جرایم و دیگر اموری از این قبیل در حضور حاکم احکامی صادر می‌شود آن هم برطبق میل خودش و هیچ گونه رجوع به قانون و محکمه‌ها وجود ندارد» (لوریمر، ۱۳۸۸: ۶۰-۶۱).

علاوه بر حکمرانان، عالمان دینی مختلفی در بوشهر حضور داشتند که به امور مربوط به دادرسی‌ها رسیدگی می‌کردند. منصب حاکم شرع با لقب «علم الهدی» در دست سادات بوشهر بود (آدمیت و ناطق، ۱۳۵۶: ۱۹). همچنین کمتر کسی در مورد این مسئله که روحانیون به منصب قضا احق و اولی از دیگران بودند، تردید داشت؛ زیرا تنها نظام مدون قضایی همان بود که در درون شریعت قرار داشت و متخصصان شریعت هم فقها بودند (آبادیان، ۱۳۸۹: ۱۶). در اسناد آرشیوی موارد بسیاری وجود دارد مبنی بر اینکه اجرای حکم شرعی و حلّ و فصل درگیری‌ها از طریق امام جمعهٔ منطقه صورت می‌گرفت. از جمله اینکه در قتل عبدالنبی کازرونی (خرازی‌فروش بوشهری) تقاضای قصاص وارث، حکم شرعی امام جمعه و نامهٔ وزارت عدلیه موجب اجرای حکم قاتل شد (ساکما، ۳۵۵۰۰۰۶۳۰). در مناطق کم‌جمعیت و روستاها به جای محکمهٔ شرع، یک یا چند ملّای محلی از روی احکام قرآن دادرسی می‌کردند. در مورد محاکم بالاتر رأی قاضی با استناد به قرآن و احادیث به صورت کتبی صادر می‌شد (کرزن، ۱۳۴۷: ۵۸۸). از جمله روحانیونی که در امور دادرسی بوشهر نقش مؤثری داشت، سید حسین فرزند سید مرتضی اهرمی بود. به گزارش کاکس، در سال ۱۳۲۶ق/۱۹۰۸م. سید حسین تهران را به مقصد بوشهر ترک کرد تا در انجام وظایفش به عنوان حاکم شرع هرگونه کمک و همکاری لازم را با محاکم عدلیه مبذول دارد (کاکس، همان، ۱۲۹). از طرفی معین‌التجار هم در سازماندهی و

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

هم در کاربرد اصطلاح عدالت‌خانه در بین مردم تأثیر زیادی داشت. او قوانین جداگانه‌ای برای دعاوی ترتیب داد که این تشکیلات جدید با مخالفت علما و بزرگان مواجه شد. آنها اعتقاد داشتند در برخوردهای قضایی می‌بایست اصول اسلامی و قرآنی مورد توجه قرار گیرد (ونسا، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

در بندر بوشهر بیشتر اختلافات عمومی میان مردم از طریق مراجعه به علما و ریش‌سفیدان حل و فصل می‌شد و اگر بحث مهمی بود سعی می‌شد از طریق نامه‌نگاری با فقها و حتی مراجع تقلید، فرد محق تعیین شود. حکمران بنادر و نظمیه نیز به اختلافات میان افراد و کارگزاران رسیدگی می‌کرد. درواقع، حکام محلی در شکایات رسمی‌تر دخالت می‌کردند. «دعاوی جزئی که سابقاً غلام شیوخ با گرفتن ده بیست روپیه فصل می‌نمودند اکنون توسط ادارهٔ نظمیه با کمال شرافت انجام داده می‌شود و دعاوی حقوقیه را به محکمهٔ عرفیه رجوع می‌نماید» (*حبل المتین*،۱۳۴۳ق: س ۲۲، ش ۱، ص ۱۵).

در برخی از بنادر جنوبی که نظامیان در رأس ادارهٔ محلی قرار داشتند، وضعیت قضایی پیچیده‌تر بود. نه تنها دو طرف دعوی سعی می‌کردند بر حکم محکمه تأثیر بگذارند، بلکه حتی مجتهد برجستهٔ محلی نیز براساس رسم معمول عقیدهٔ خود را در مورد هر دعوی به‌طور غیرمستقیم به رئیس عدلیه گزارش می‌داد. به دلیل استفادهٔ نظامیان از تسهیلاتی که عدلیه در اختیار آنها قرار داده بود، حکمران بنادر مجبور به تعطیلی عدلیه شد (فلور، همان، ۶۳). با وجود اینکه محاکم عدلیه در بندر بوشهر تشکیل شده بود، اما در عمل کارایی چندانی نداشت. این ناکارآمدی عوامل متعددی داشت.

علل ناکارآمدی عدلیه در بندر بوشهر

یکی از علل ناکارآمدی عدلیه در بندر بوشهر، نظام اجتماعی و سیاسی بود که عدلیه به‌ناچار می‌بایست در چارچوب آن کار کند. این نظام نه تنها مانع از احراز صلاحیت و کار صحیح و مؤثر محاکم عدلیه می‌شد، بلکه آن را به چنگال غارتگران عدالت می‌انداخت. ادارهٔ عدلیه که مسؤل نظارت بر عملکرد صحیح محاکم عدلیه بود، با وجود سبک و سیاق جدیدش، به همان طرق اسلاف پیش از مشروطهٔ خود عمل می‌کرد؛ یعنی تیول شخصی دست‌اندرکاران آن بود (فلور، ۱۳۸۸:

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

۵۶). نظام تشکیلاتی مناسب و قوانین موضوعه از ارکان مهم در امور دادرسی و رسیدگی به حل مشکلات قضایی مردم بود، ولی در زمان مشروطه، عدلیه از این امکانات محروم بود. در این سال‌ها نظام قضایی از یک سو در پی ایجاد یک چارچوب تشکیلاتی و از سوی دیگر، به دلیل نبود قوانین مدون، در پی تنظیم مقررات و دستورالعمل‌های ضروری بود. عدلیه همچنین تلاش می‌کرد قواعد و قوانینی را که تا آن زمان به صورت موردی به محاکم ابلاغ می‌کرد، به صورت مدوّن جمع‌آوری کند تا از اِعمال سلیقهٔ محاکم در صدور حکم جلوگیری کند. فقر قوانین و نبود منابع قابل دسترس برای کارمندان محاکم و همچنین عدم توسعهٔ تعداد محاکم موجب شد به مرور زمان کیفیت کارمندان عدلیه در ایالات جنوبی کاهش یابد. بنابراین جای شگفتی نیست که مردم برای احقاق حق به محاکم و نظام‌های دیگر مراجعه می‌کردند. عدلیه از این امکانات محروم بود (*آفتاب*، ۱۳۳۰ق: ش ۶۵، صص۱، ۲). اگرچه تا سال ۱۳۰۲ش. قوانین متعددی از جمله قوانین مربوط به ثبت اسناد و املاک تکمیل شد و وزارت عدلیه لزوم اجرای آن توسط فرمانروایان و مأموران در بندر بوشهر را خواستار شد (ساکما، ۳۵۵۰۰۰۳۴۱)، اما تا قبل از تأسیس عدلیه، تنظیم اسناد مربوط به املاک در دست حکام شرع یعنی علمای دینی بود. علما غالباً معاملات ملکی را شخصاً مرقوم و ممهور می‌کردند و به طرف معامله یا دو طرف تحویل می‌دادند و کار پایان‌یافته تلقی می‌شد. آنها که محتاط‌تر بودند، خلاصهٔ معامله را در دفتری برای خود یاداشت می‌کردند (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۷: ۱۶۸/۲). ثبت اسناد و املاک برای دو منظور تشکیل می‌شد؛ نخست آنکه مالکیت مالکان به صورت رسمی تعیین و محفوظ شود. دوم برای اینکه به صورت رسمی دارای اعتبار شود (همان، ۱۷۱).

فقدان بودجهٔ کافی برای تأمین مالی و تهیهٔ امکانات عدلیه، یکی دیگر از عوامل عمده بر سر راه ترقی و توسعهٔ عدلیه بود. این معضل از ضعف کلی کسری بودجه دولتی ناشی می‌شد که تقریباً همواره دولت در دورهٔ مشروطیت با آن دست به گریبان بود. مخارج عدلیه همواره زیادتر از عایدات آن بوده است (جمال‌زاده، ۱۳۳۵: ۱۵۶). بودجهٔ عدلیه برای پرداخت حقوق به همهٔ کارکنان کافی نبود؛ برای جبران این کمبود و حقوق ناچیز کارکنان، وزارت عدلیه تمبرهای مالی به محاکم

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

مختلف می‌فرستادند تا از فروش آنها بتوانند حقوق کارمندان خود را بپردازند. علاوه بر فروش تمبرهای مالی، به دستور حکمران بنادر در سال ۱۳۲۹ق/۱۹۱۱م. مقرر شد هر کس که می‌خواهد در دادگاه شکایتی مطرح کند، نخست باید ده درصد مبلغ مورد ادعا را به عنوان حق‌الزحمه پرداخت کند (کاکس، همان، ۲۷۰). با وجود کمبود منابع مالی، مأموران حق نداشتند وجوه غیرقانونی از مردم دریافت کنند. نامه‌های ارسالی از پایتخت مبنی بر اینکه ادارات عدلیه به عایدات خود در ولایات اکتفا کنند و وجوه غیرقانونی از مردم دریافت نکنند، دلالت بر این امر دارد (ساکما، ۲۹۸۰۰۳۱۳). به هر حال، برای پرداخت حقوق به منظور جلوگیری از دریافت وجوه غیرقانونی، مأموران عدلیه موظف بودند قبض دریافت وجه را که به عنوان هزینهٔ رسیدگی به دعاوی، از مردم دریافت می‌کردند، صادر کنند (ساکما، ۲۹۶۰۱۲۳۶۶). پرداخت مالیات از سوی وکلای عدلیه، از دیگر مشکلات مالی این اداره بود.. وکلا مجبور به پرداخت مالیات بودند؛ چنان‌که وکیل درجهٔ اول سالیانه شصت تومان، وکیل درجهٔ دوم سالیانه ۲۴ تومان و وکیل درجهٔ سوم سالیانه سه تومان مالیات پرداخت می‌کرد (سدیدالسلطنه، ۱۳۶۲: ۴۶۱). درحالی‌که طبق اسناد موجود، در سال ۱۳۰۲ش. بودجهٔ وزارت عدلیه در مجموع ده‌هزار تومان بوده است (ساکما، ۲۴۰۰۳۰۲۰۱).

عدم اختصاص مکان مناسب برای عدلیه، از دیگر مشکلات این اداره بود. در سال‌های اولیهٔ مشروطیت مکان مناسبی برای مأموران عدلیه در نظر گرفته نشده بود؛ به‌طوری که آنها چند اتاق را تعمیر کرده و حتی مخارج ساخت و تجهیز آن را خودشان پرداخت کرده بودند (فلور و بنانی)، ۱۳۸۸: ۵۶). علاوه بر آن، برای مجرمان نیز مکانی وجود نداشت. از همین رو، نامه‌های متعددی از طرف مأموران عدلیه به منظور واگذاری عمارتی به این اداره برای نگهداری از محبوسان، به پایتخت ارسال می‌شد که غالباً بدون پاسخ بودند (ساکما، ۲۹۸۰۰۰۲۵۷). وضعیت ساختمان‌های دولتی در بندر بوشهر به نوعی می‌تواند بیانگر اهمیت و جایگاه این منطقه نزد دولتمردان قاجار باشد. حتی بعد از استقرار مشروطه نیز با اینکه برخی از ادارات جدید مانند عدلیه در این بندر ایجاد شد، اما از آنجا که به قول سعادت کازرونی، همهٔ اینها «اسم بلا رسم» و «از حلیه حقیقت و صحت عاری» بودند

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

(سعادت کازرونی، ۱۳۶۷: ۲۷)، در مجموع در دورهٔ قاجاریه هیچ اقدام مثبتی دربارهٔ ساخت بناهای دولتی در بندر بوشهر کشور انجام نشد.

دخالت انجمن‌ها و ادارات دیگر در امر دادرسی، از دیگر مشکلات عدلیهٔ بندر بوشهر بود. در این دوره به دلیل ضعف محاکم و ادارات عدلیه، ادارهٔ امور مربوط به عدلیه در چارچوب وظایف انجمن‌ها قرار گرفت و متقابلاً دیوان‌خانهٔ عدلیه و محکمه‌ها زمانی احکام انجمن‌ها را قبول می‌کردند که حکم آنها طبق قانون بوده است. آنها در برخورد با اشرار و هرج‌ومرج ناشی از انقلاب مشروطیت فعالیت زیادی داشتند. اشرار و سرکشان محلی در ایل وطایفهٔ خود عَلَم طغیان برمی‌افراشتند. انجمن‌ها به‌طور مستقیم با آنها مواجه می‌شدند و به علت فقدان نیروی نظامی تحت امر خود، برای حفظ امنیت و جلوگیری از غارت و کشتار اشرار، با مجلس و وزرا در این مورد مکاتبه و از نبود نیروی نظامی شکایت می‌کردند و خواهان تشکیل قشون تحت نظر آنها بودند، اما به علت ضعف دولت مرکزی در تهران و مشکلات ایجاد شده در مرکز، پاسخی به درخواست آنها داده نمی‌شد و این مشکل همچنان ادامه داشت (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۹۰: ۲۸۵). دخالت انجمن‌ها تا بدانجا رسید که یکی از اعضای آن به نام «سید اسدالله» پیشنهاد داده بود انجمن برای رسیدگی و حلّ و فصل دعاوی ساکنان، عدلیهٔ کوچکی تشکیل دهد (کاکس، همان، ۲۰۲). در یک رسیدگی قضایی، به دلیل دخالت‌های انجمن مأموران عدلیه مجبور به استعفا شدند (بشیری، ۱۳۶۷: ۱۷۰). علاوه بر انجمن‌ها، محکمه‌ای در نظمیه تشکیل شده بود که به خلافکاری‌های عمومی رسیدگی می‌کرد (*روزنامهٔ بی‌طرف*، ۱۳۳۱ق: ش ۲۳، ص۶).

اعمال نفوذ رؤسای ایلات و عشایر به سادگی امکان اجرای قوانین قضایی را فراهم نمی‌ساخت (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۴۲). شورش‌های مکرر در ایالات جنوبی، تهاجمات گستردهٔ افراد ایلی و عشیره‌ای به شهرها، راهزنی در جاده‌ها و خطوط مواصلاتی، حمل‌ونقل و قاچاق مال‌التجاره‌های دزدی و ممنوعه (بشیری، ۱۳۶۲: ۲۹/۱) و همچنین درگیری‌های خیابانی امکان حضور سودمند مأموران عدلیه را فراهم نمی‌ساخت. گاهی اشرار، عدلیهٔ شهرها را غارت می‌کردند و به اجبار عدلیه باید دوباره راه اندازی می‌شد (شهیدی، ۱۳۹۸: ۸۰).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

سرقت پست دولتی توسط اشرار، از دغدغه‌های مهم تجار بوشهری بود که نگرانی‌های فراوانی برای آنها به وجود می‌آورد؛ به‌طوری که تقریباً در طول هر ماه یک یا دو دفعه پست یاد شده مورد سرقت قرار می‌گرفت و در نتیجه تجار مجبور می‌شدند برات المثنی بگیرند. بنا به نوشتهٔ *روزنامهٔ حبل‌المتین*، تجار برای حل مشکل سرقت پست دولتی تصمیم گرفتند مرسولات خود را به همراه قاصد به شیراز بفرستند (*روزنامهٔ حبل‌المتین*، ۱۳۲۴ق: ش ۱۹، ص۱۵).

به دلیل عدم وجود نظام متمرکز امنیتی کارآمد در بندر بوشهر، امنیت آن همواره توسط نیروهای اخلالگر تهدید می‌شد. مهم‌ترین این عناصر ایلات و عشایر ساکن دراین بندر بودند که با اقدامات خود اسباب خرابی و ویرانی بندر و فقر و پریشانی رعیت را فراهم می‌کردند. وقایع‌نگاران *حبل‌المتین* طی گزارشی مربوط به سال ۱۳۳۰ق، شدت ناامنی ایجاد شده توسط نیروهای ایلی و عشایر در بندر بوشهر را اسفبار توصیف کردند و معتقد بودند وضعیت هیچ ملک و ملتی در دنیا شبیه به وضعیت نابسامان سرحدات جنوبی نیست و این در شرایطی است که دولت مخذول داخله و منکوب خارجه نمی‌تواند حرکتی در جهت بهبود اوضاع انجام دهد. قبایح اعمال کارگزاران بنادر تعبیر به صاعقه سوزان و سیلابی شده است که در کنار جهل و اغراض طمع‌کارانه، اسباب ذلت و فلاکت دولت و ملت ایران را فراهم ساخته است. این نشریه رؤسای ایلات و عشایر را مخاطب قرار داده و عاجزانه درخواست کرده بود ترتیبی اتخاذ کنند تا عناد و لجاج و جنگ خانگی و دزدی و راهزنی و آدم‌کشی را که مخل آسایش و امنیت عمومی است، خاتمه دهند، اوامر دولتی را تمکین کنند، در امور مأموران عدلیه دخالت نکنند، ثلث مالیاتی را که چندین برابر به زور از اهالی دریافت کرده‌اند، به دولت تحویل دهند و با خودسری و نافرمانی اختلال در امور دولتی را موجب نشوند (*روزنامهٔ حبل‌المتین*، ۱۳۳۰ق: ش ۳۴، ص۱۸).

محاکم عدلیه و اتباع خارجی در بوشهر

از مواردی که نشان دهندهٔ ضعف قوانین قضایی و لزوم اصلاح عدلیه در بوشهر بود، مربوط به تظلمات اتباع خارجی بود. طبق ماده ۴۱ متمم قانون اساسی، هتک حرمت

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

مأموران، هئیت سیاسیون و اتباع خارجی که در کشور سمت نمایندگی داشتند، ممنوع بوده و مرتکب ملتزم بود پنج الی دویست تومان پرداخت کند و از یک هفته الی سه ماه زندانی شود. شکایات نمایندگان خارجی نیز به صورت مستقیم به اداره پلیس یا به واسطه وزارت امور خارجه به محکمه عدلیه اظهار می‌شد (میرزا صالح، ۱۳۸۴: ۷۹۷). کسروی در این باره نوشته است: «در اینجا اتباع انگلیسی فراوانند. باید یک عدلیه قانونی باشد که به کارهای آنها از روی قانون و عدالت رسیدگی و حکم صادر کند. اگر اینگونه باشد هیچکس به عدلیه ایراد نخواهد گرفت ولی به محکمه‌های غیرقانونی مسلماً ایراد خواهد گرفت» (کسروی، ۱۳۲۳: ۷۹).

این اتباع چون تحت تکلف دولت بریتانیا بودند، در مواردی که اختلاف بین آنها و رعایای ایرانی پیش می‌آمد، دولتمردان نمی‌توانستند به‌حق بین دو طرف قضاوت کنند. درواقع، نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان و ضعف و بی‌ثباتی در سیستم اداری بندر بوشهر موجب شده بود رعایای خارجی یک هاله‌ای از حمایت را احساس کنند؛ درحالی‌که به مظالم ایرانیان رسیدگی نمی‌شد. نیروهای نظامی خارجی به کرات در امور اداری بندر بوشهر دخالت می‌کردند (*روزنامهٔ حبل‌المتین*، ۱۳۳۳ق: ش ۱۳، ص۲۱). بهانهٔ آنها دفاع و حمایت از حقوق اتباع خود بود (همان، ۱۳۱۵ق: ش ۲۳، ص۲۲)؛ به‌طوری که وقتی تبعهٔ انگلیسی به نام فیلیپس در بوشهر دستگیر و بازداشت شد، بلافاصله چند روز بعد کنسول انگلیس او را آزاد کرد. اهالی شهر به تلگراف‌خانه رفتند و شکایتی را در این مورد به تهران ارسال کردند (بشیری، همان، ۱۴۱). نمونهٔ دیگر، طرح دعوی کسبهٔ بوشهر از خیاط هندی تبعهٔ انگلیس در عدلیه است که مورد توجه مأموران عدلیه قرار نگرفته بود (ساکما، ۲۹۳۰۰۸۳۵۴). اسناد حاکی از آن است که شکایات عدلیه از دخالت مستقیم مأموران انگلیسی بی‌تأثیر بوده است (ساکما، ۳۶۰۰۰۰۲۶۸). به دلیل دخالت‌های مأموران و اتباع انگلیسی، برخی از کارمندان ادارهٔ عدلیه با مأموران انگلیسی بدرفتاری می‌کردند. چهار برگ سند در سازمان اسناد موجود است که در آن به اختلاف ملکی تبعهٔ انگلیس و اعتراض سفارت آن کشور به سوء رفتار مأموران عدلیه اشاره دارد (ساکما، ۳۶۰۰۰۰۶۶۴۷). اگرچه تمام ساکنان بوشهر به سبب أخاذی‌ها و زورگویی‌های رئیس عدلیه و مأموران آن گله‌مند بودند (کاکس، همان، ۳۴۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

روزنامهٔ حبل‌المتین در مقاله‌ای با عنوان «غلبه حقوقی خارجیان بر ایرانیان در بوشهر» نوشته است: «هر نوع زورگویی و مردم‌خوری بر ما آقای رعیت خارجه می‌کنند عیب ندارد و می‌شنویم که حرف مزن رعیت خارجه است. این رعیت خارجه پسرخاله است چه خبر است. هر قسم بیجا رفتار می‌نماید دزدی بطور فاش آقای رعیت خارجه در ملک ما می‌کنند هیچ مانعی از برایش نیست عارض هرگاه بشوی حاکم می‌گوید آقاجان مگر نمی‌دانید که رعیت خارجه است. هر کسی مدعی شود از حکومت معزول می‌شود. چرا این حضرات اینقدر بی‌حسابی و زورگویی بلکه دزدی فاش کنند کسی نمی‌تواند هیچ بگوید...» (*روزنامهٔ حبل‌المتین*، ۱۳۱۸ق: س۶، ش ۲۱، ص۶).

در پایان ذکر این نکته لازم است که به سبب تغییر نظام حکومتی و انتظاراتی که مشروطه در میان مردم بندر بوشهر به وجود آورده بود، توقع تحول اساسی برای تحقق عدالت و حل مشکالت حقوقی در مردم به وجود آمده بود، اما در عمل با کاستی‌های زیادی مواجه بود.

نتیجه‌گیری

نظام قضایی ایران همواره بر دوگانگی عرف و شرع مبتنی بوده است. این ساختار دوگانه به موازات یکدیگر تداوم یافته‌اند. محاکم شرع از دیرباز موفق بود عمده استقلال عمل دیرینهٔ خود را تا آستانهٔ مشروطیت حفظ کند، اما با استقرار مشروطیت دگرگونی‌های عمیقی در تشکیلات و حدود و اختیارات محاکم شرع روی داد.

محاکم عدلیه در بندر بوشهر نیز به تأسی از نظام قضایی کشور، ساختار مدوّن و مشخصی نداشت و در قالب محاکم شرع و محاکم عرف قرار می‌گرفت. درواقع، افراد حقوقی چون حکمران بنادر و کارگزار در کنار نهادهایی چون عدلیه برای رسیدگی به دعاوی و رفع اختلافات و حفظ نظم و امنیت بندر بوشهر عمل می‌کردند و افراد حقیقی نیز چون علما، ریش‌سفیدان و غیره در قالب دیگری به امور قضایی رسیدگی می‌کردند. همهٔ این تشکیلات به منظور حل مشکلات اجتماعی فعالیت می‌کردند، اما آنچه مشهود است اینکه ساختار قضایی این دوره نتوانست جایگاه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

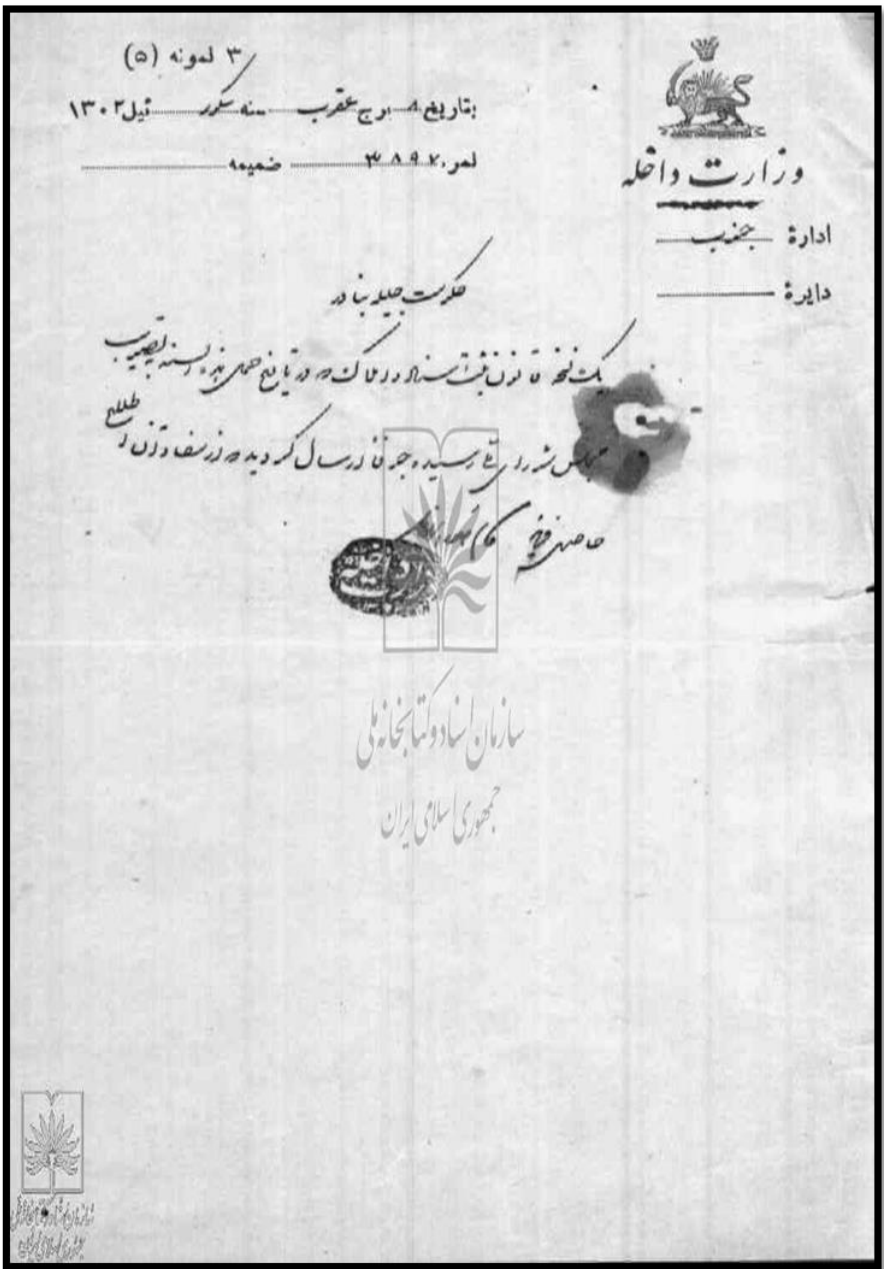
واقعی خود را در جامعه به دست آورد و موجب تثبیت ساختار اداری نظام قضایی در بوشهر شود. حال آن که خواست و توقع مردم بوشهر از دولت مشروطه در حوزهٔ قضا، اجرای قانون، رعایت عدالت و مبارزه با ظلم و استبداد بود. نرسیدن به این انتظارات سبب ناامیدی مردم می‌شد. از طرفی دولت مشروطه نیز با توجه به مشکلات عمیقی که داشت، نمی‌توانست به یکباره انتظارات مردم را برآورده سازد. درواقع، رویدادها و اختلافات سیاسی مرکز حکومت که درگیر مسایل و مشکلات ناشی از انقلاب مشروطه بود، موجب بی‌توجهی و عدم رسیدگی لازم به امور نواحی جنوبی به‌ویژه بندر بوشهر شد.

در بررسی علل و عوامل ناکارآمدی محاکم عدلیه در بندر بوشهر، عوامل متعددی تأثیرگذار بود. یکی از آنها نظام اجتماعی و سیاسی بود که عدلیه به‌ناچار می‌بایست در آن چارچوب کار کند. وزارت عدلیه که مسئول نظارت بر عملکرد صحیح محاکم بود، با وجود روش جدیدش به همان طریق اسلاف پیش از مشروطه عمل می‌کرد؛ یعنی تیول شخصی دست‌اندرکاران آن بود. صرف نظر از موانع سیاسی و اجتماعی، واقعیت آن بود که معیار مشخصی برای گزینش قضات و دیگر مسئولان وجود نداشت. در ابتدای کار محاکم عدلیه، افراد زیادی که نفوذی داشتند، به عنوان قاضی به کار گماشته شدند و محاکم عدلیه عموماً با عنوان ظلمیه یا بی‌عدالتی معروف شدند. با وجود شکایاتی که مرتب گروه‌هایی از مردم و تجار به وزارت عدلیه می‌نوشتند، هیچ اقدامی صورت نمی‌گرفت. از طرفی اعمال نفوذ رؤسای ایلات و عشایر به سادگی امکان اجرای قوانین قضایی و احکام عدلیه را فراهم نمی‌ساخت. از همین رو، به سبب فقدان تشکیلات مؤثر و کارآمد عدلیه و نظام قضایی و عدم توجه به حقوق مدنی مردم، این اداره با کاستی‌های بسیاری مواجه بود.

در مجموع، عدلیه بندر بوشهر به دلیل ریشه‌دار بودن مشکلات اجتماعی و قضایی نمی‌توانست به یک باره انتظارات مردم را برآورده کند بلکه به زمان بیشتری نیاز داشت تا قادر به رفع معضلات موجود شود. با این حال، عدلیهٔ بندر بوشهر با تأثیرپذیری از تحولات قضایی عصر مشروطه تغییرات و اصلاحات مهمی را تجربه کرد که تا پیش از آن سابقه نداشت.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

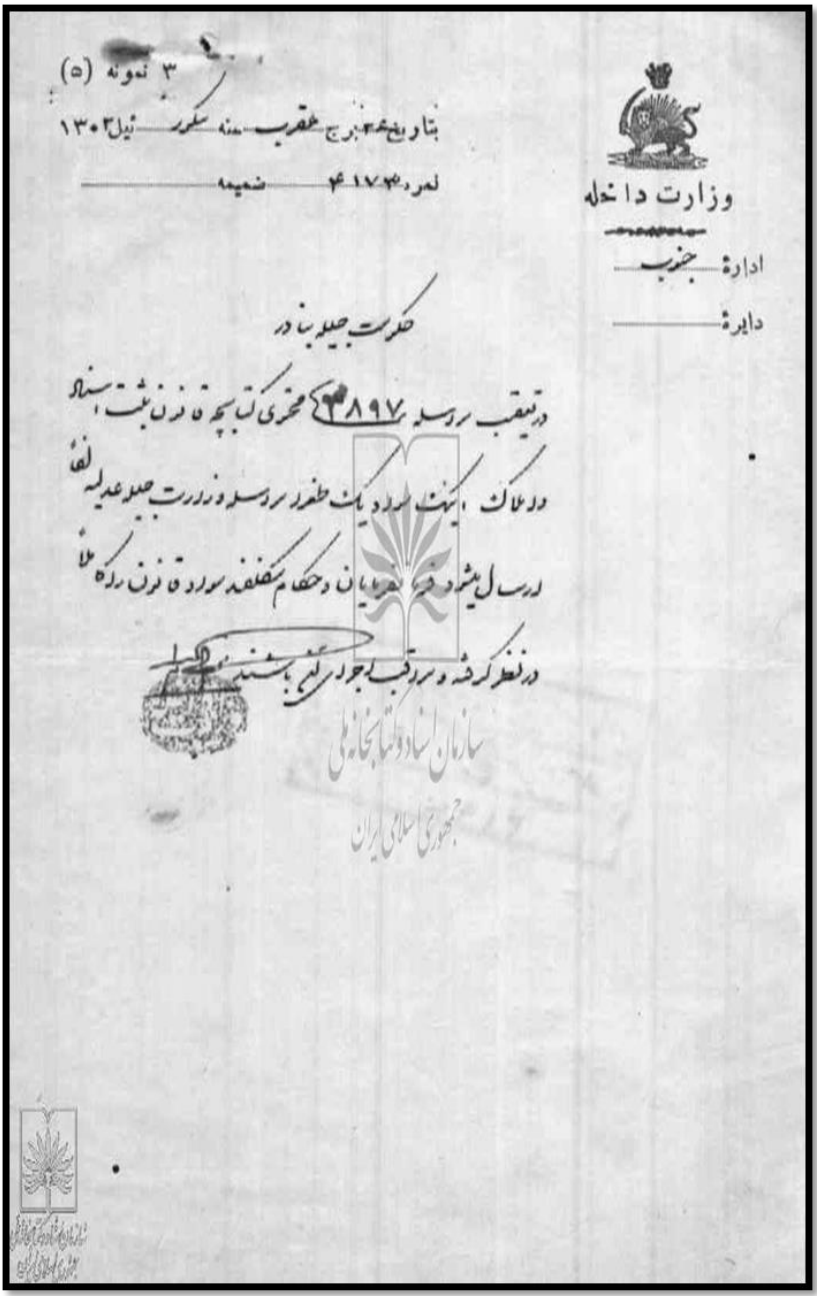
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



(ضمیمه شماره ۱، ص۱) قوانین ثبت اسناد و املاک و لزوم اجرای آن توسط حکام بنادر جنوبی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



وزارت داخله

ادارهٔ جنوب

دایرهٔ

۳ نمونه (۵)

بتاریخ ۲۰ برج عقرب سنه سکور ذیل ۱۳۰۳

نمره ۱۷۴۰ ضمیمه

حکومت جیلویناور

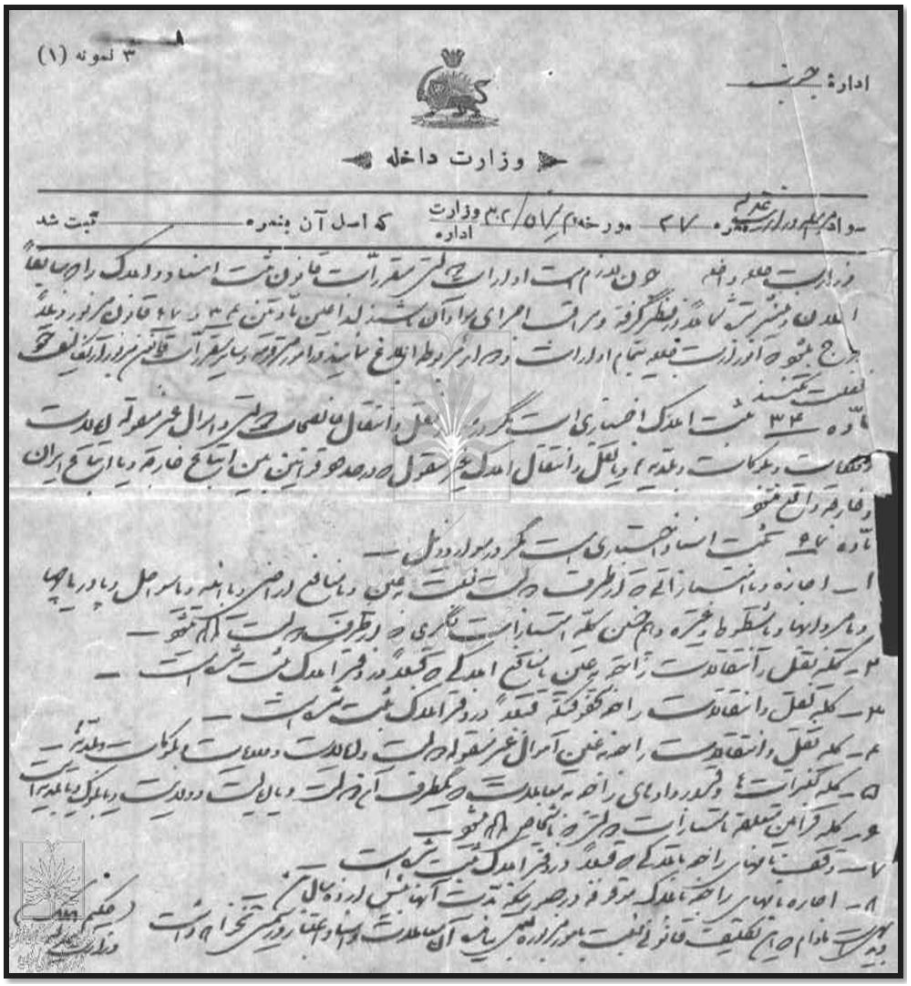
در تعقیب رسیله ۳۸۹۷ مخبری کتبچه قوانین ثبت اسناد و املاک اینک سواد یک طغرا رسیله وزارت جلیله عدلیه لفاً ارسال میشود در تعریان و احکام مکلفه سواد قوانین رد کلا در نظر گرفته و سرتیب اجرای آنرا بخواهند

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

(ضمیمه شماره ۱، ص۲) قوانین ثبت اسناد و املاک و لزوم اجرای آن توسط حکام بنادر جنوبی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

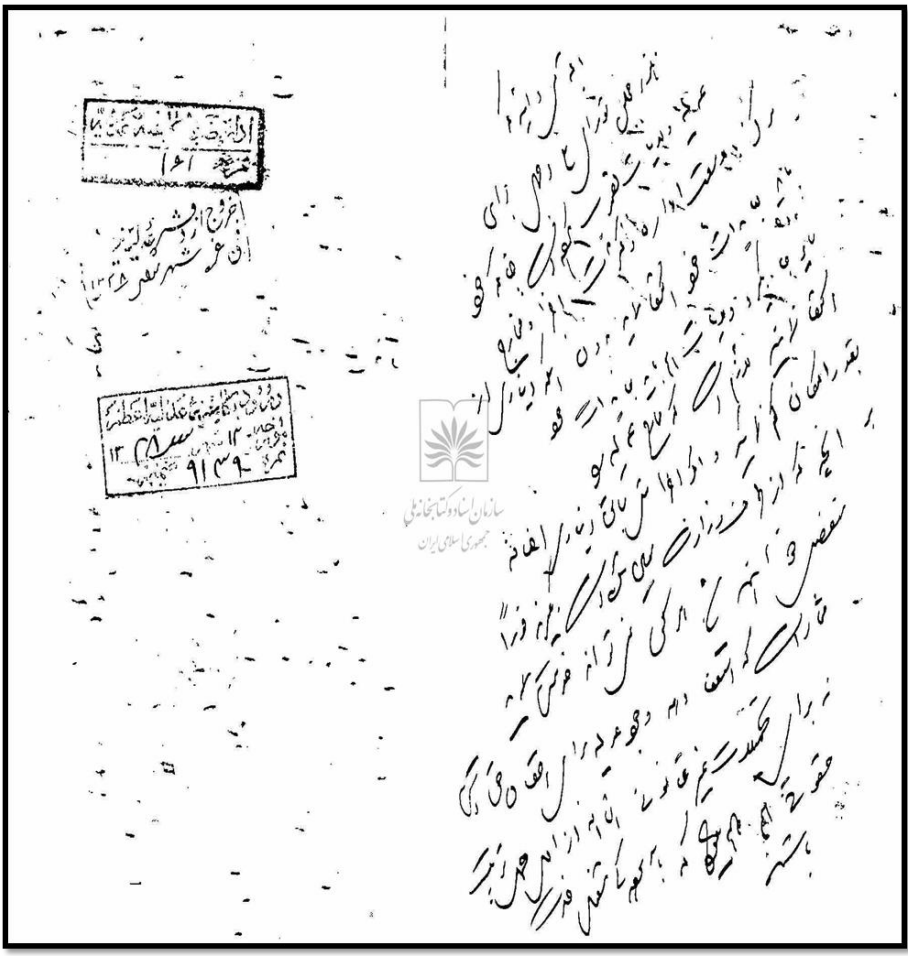
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



(ضمیمه شماره ۱، ص۳) قوانین ثبت اسناد و املاک و لزوم اجرای آن توسط حکام بنادر جنوب

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

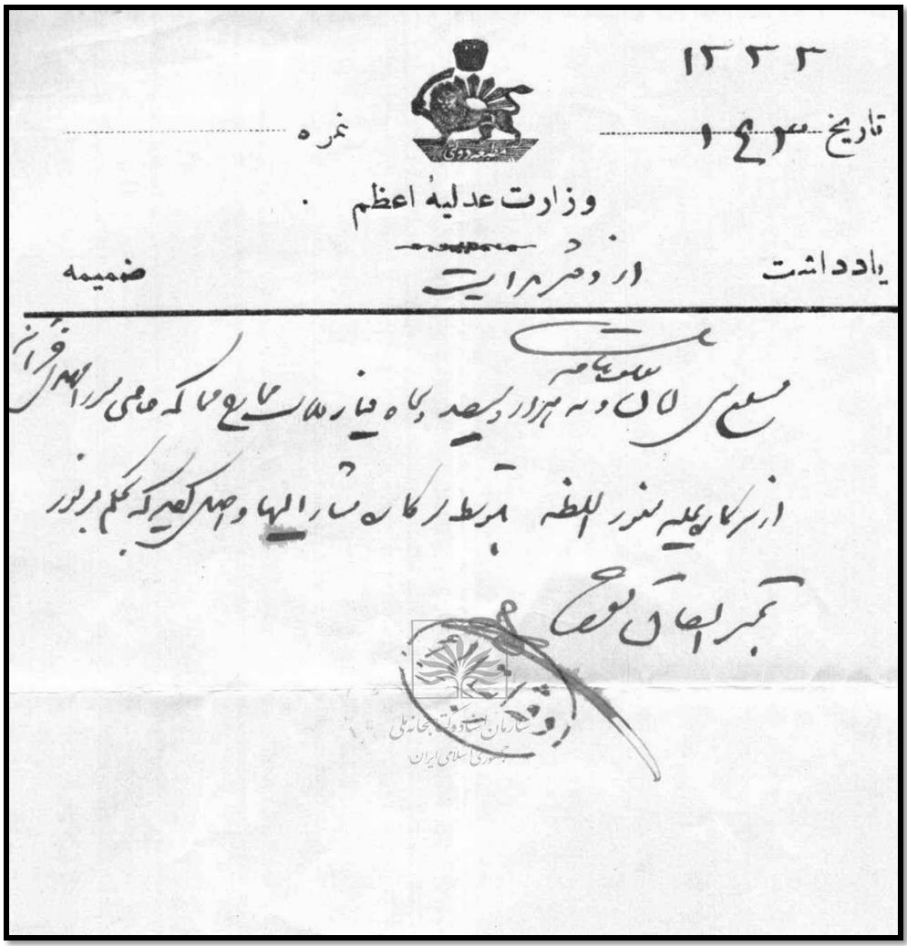
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



(ضمیمه شماره ۲) دستور اکتفای ادارات عدلیه به عایدات خود

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

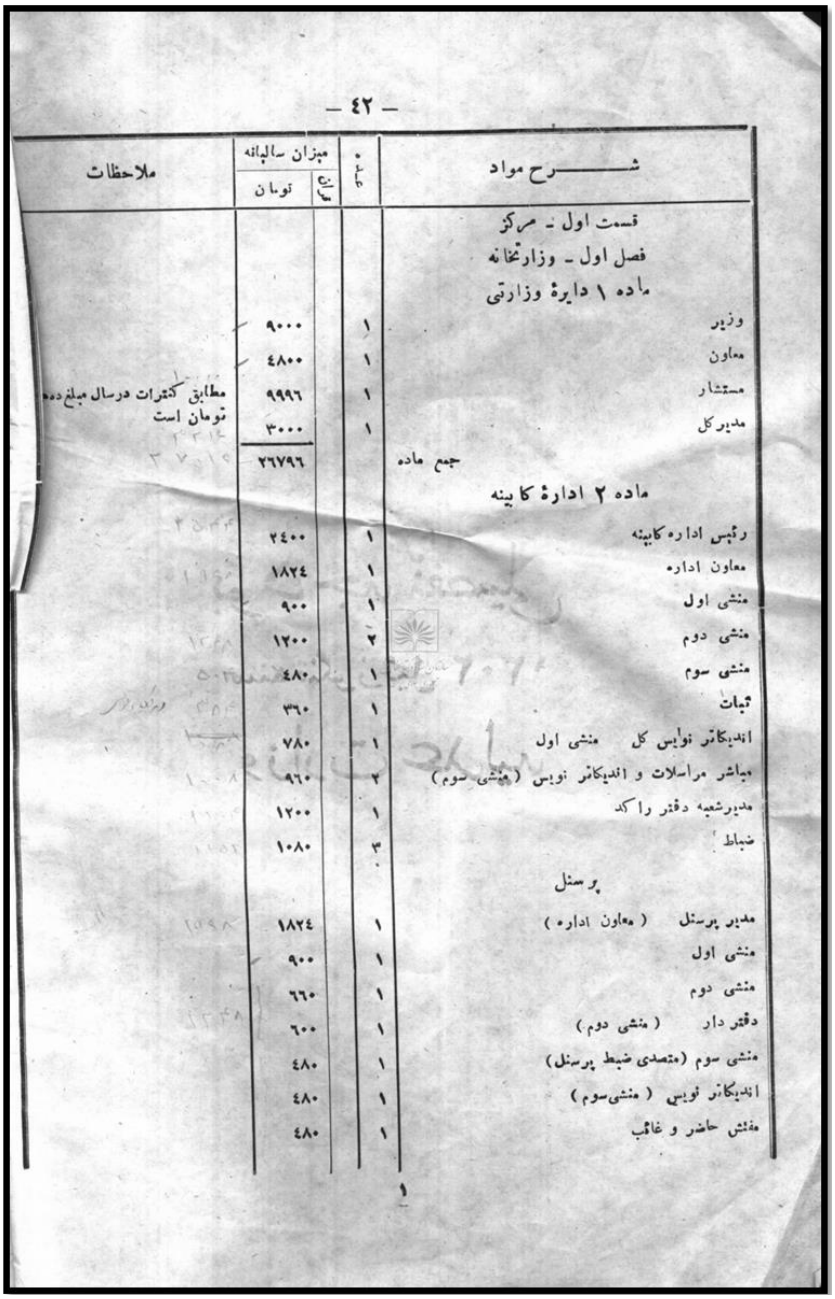
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]


۱۳۳۳
تاریخ ۱۴ سنبله نمره
وزارت عدلیهٔ اعظم
یادداشت از دفتر ایالت ضمیمه

(ضمیمه شماره ۳) قبض دریافت وجه توسط مأموران وزارت عدلیه

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



— ٤٢ —

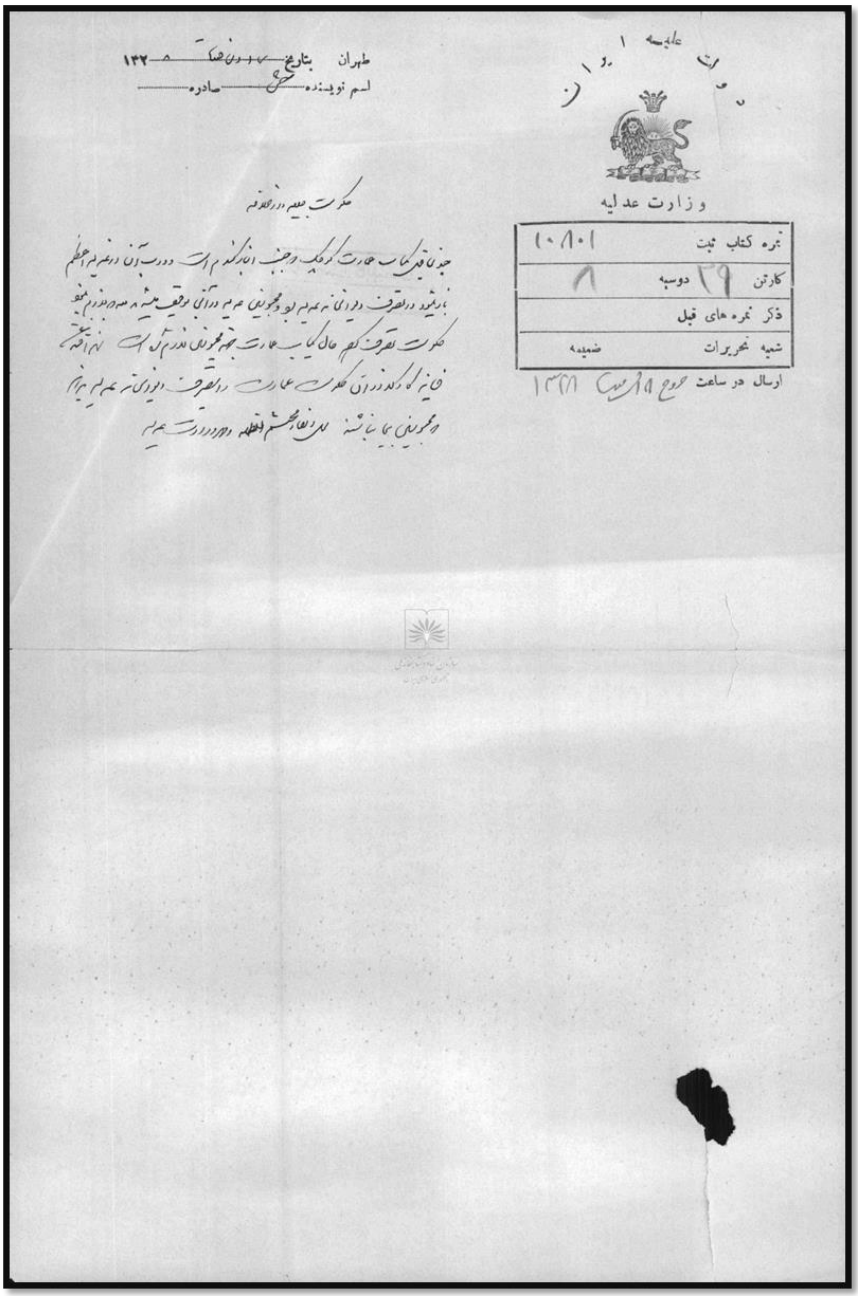
شـــــــرح مواد	عدد	میزان سالیانه تومان	ملاحظات
قسمت اول ـ مرکز			
فصل اول ـ وزارتخانه			
ماده ۱ دایرهٔ وزارتی			
وزیر	۱	۹۰۰۰	
معاون	۱	٤٨٠٠	
مستشار	۱	۹۹۹٦	مطابق کنترات درسال مبلغ ده‌ه تومان است
مدیر کل	۱	۳۰۰۰	
جمع ماده		٢٦٧٩٦	
ماده ۲ دایرهٔ کابینه			
رئیس اداره کابینه	۱	٢٤٠٠	
معاون اداره	۱	١٨٢٤	
منشی اول	۱	۹۰۰	
منشی دوم	۲	١٢٠٠	
منشی سوم	۱	٤٨٠	
تمبات	۱	٣٦٠	
اندیکاتر نویس کل منشی اول	۱	٧٨٠	
مباشر مراسلات و اندیکاتر نویس (منشی سوم)	۲	٩٦٠	
مدیرشعبه دفتر راکد	۱	١٢٠٠	
ضباط	۳	١٠٨٠	
پرسنل			
مدیر پرسنل (معاون اداره)	۱	١٨٢٤	
منشی اول	۱	۹۰۰	
منشی دوم	۱	٦٦٠	
دفتر دار (منشی دوم)	۱	٦٠٠	
منشی سوم (متصدی ضبط پرسنل)	۱	٤٨٠	
اندیکاتر نویس (منشی‌سوم)	۱	٤٨٠	
مفتش حاضر و غائب	۱	٤٨٠	

۱

(ضمیمه شماره ۴) بودجه وزارت عدلیه در سال ۱۳۰۲ق.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



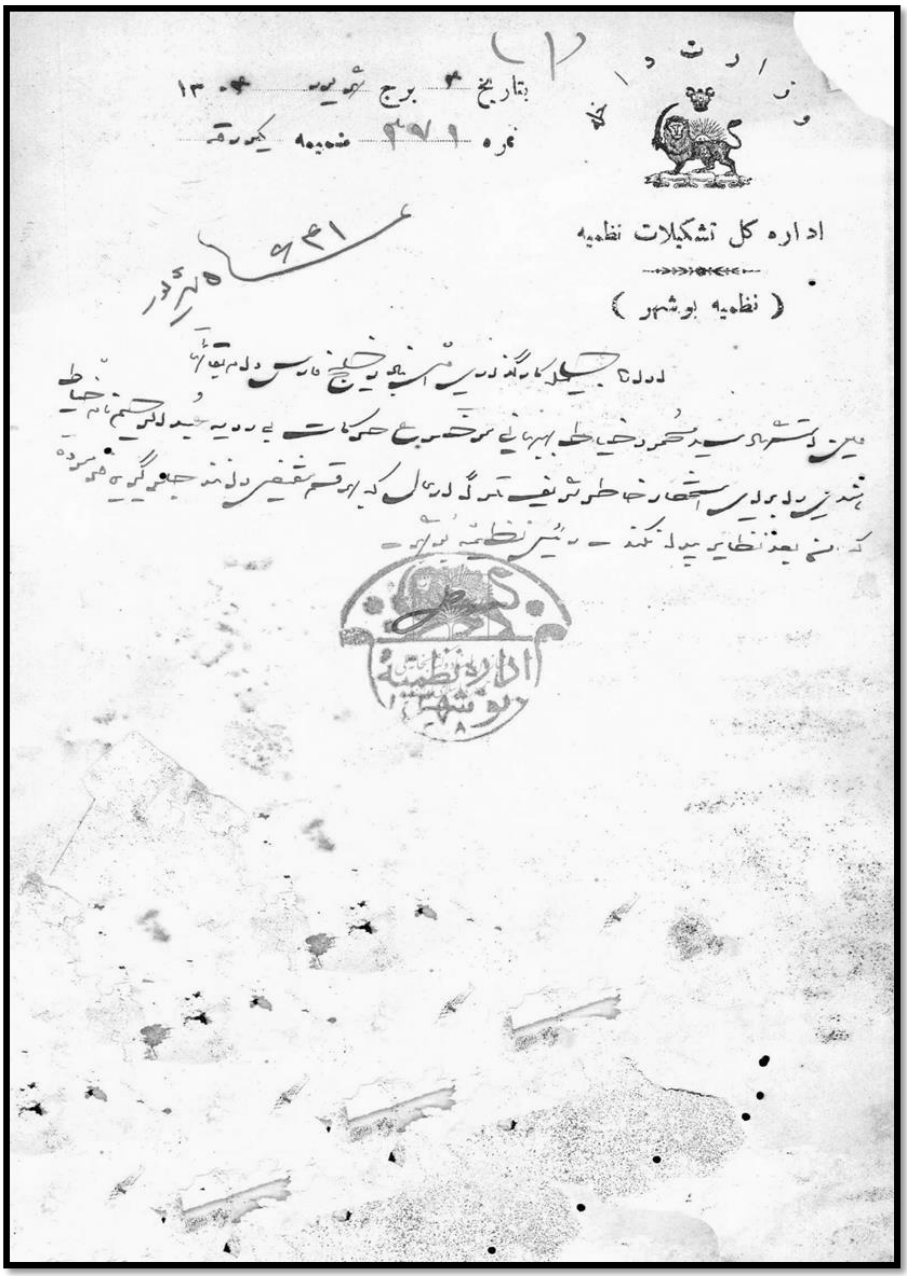
وزارت عدلیه

نمره کتاب ثبت	۱۰۸۰۱
کارتن	۱۹ دوسیه ۸
ذکر نمره های قبل	
شعبه تحریرات	ضمیمه

(ضمیمه شمارهٔ۵) واگذاری عمارتی به عدلیه جهت نگهداری محبوسان

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



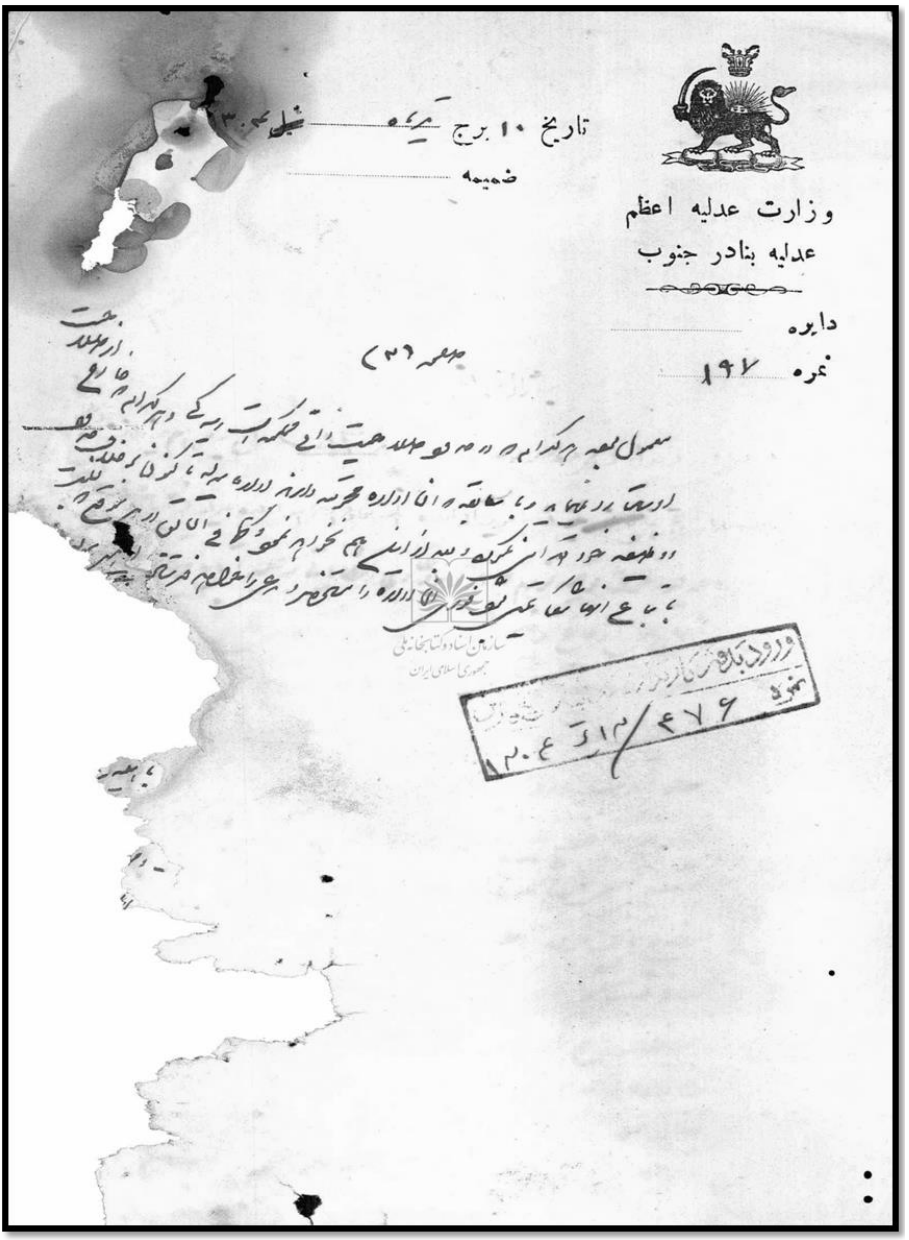
اداره کل تشکیلات نظمیه

(نظمیه بوشهر)

(ضمیمه شماره۶، ص۱) طرح دعوی کسبهٔ بوشهر علیه خیاط هندی تبعه انگلیس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

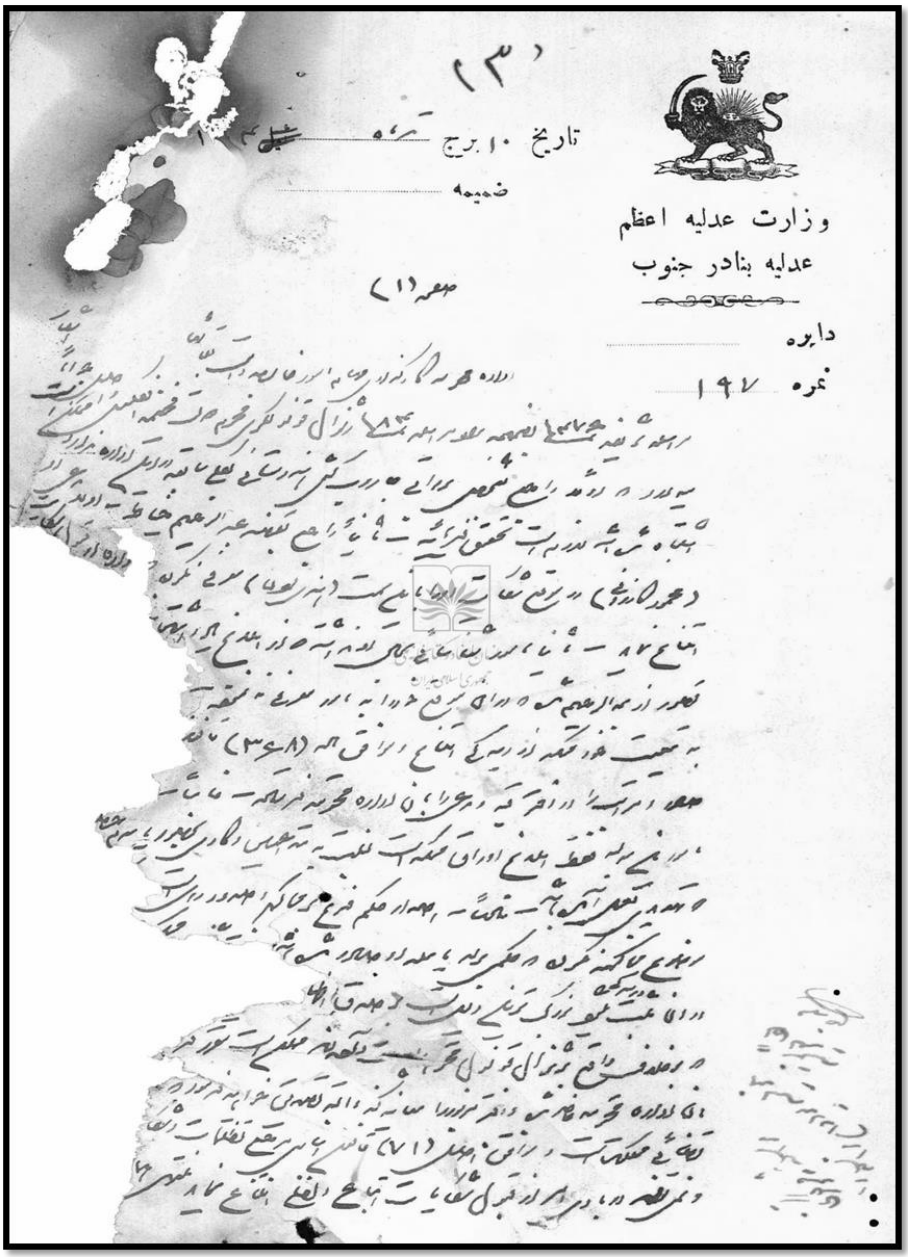
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]


وزارت عدلیه اعظم
عدلیه بنادر جنوب
دایره
نمره ۱۹۷
تاریخ ۱۰ برج
ضمیمه

(ضمیمه شماره۶، ص۲) طرح دعوی کسبه بوشهر علیه خیاط هندی تبعه انگلیس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

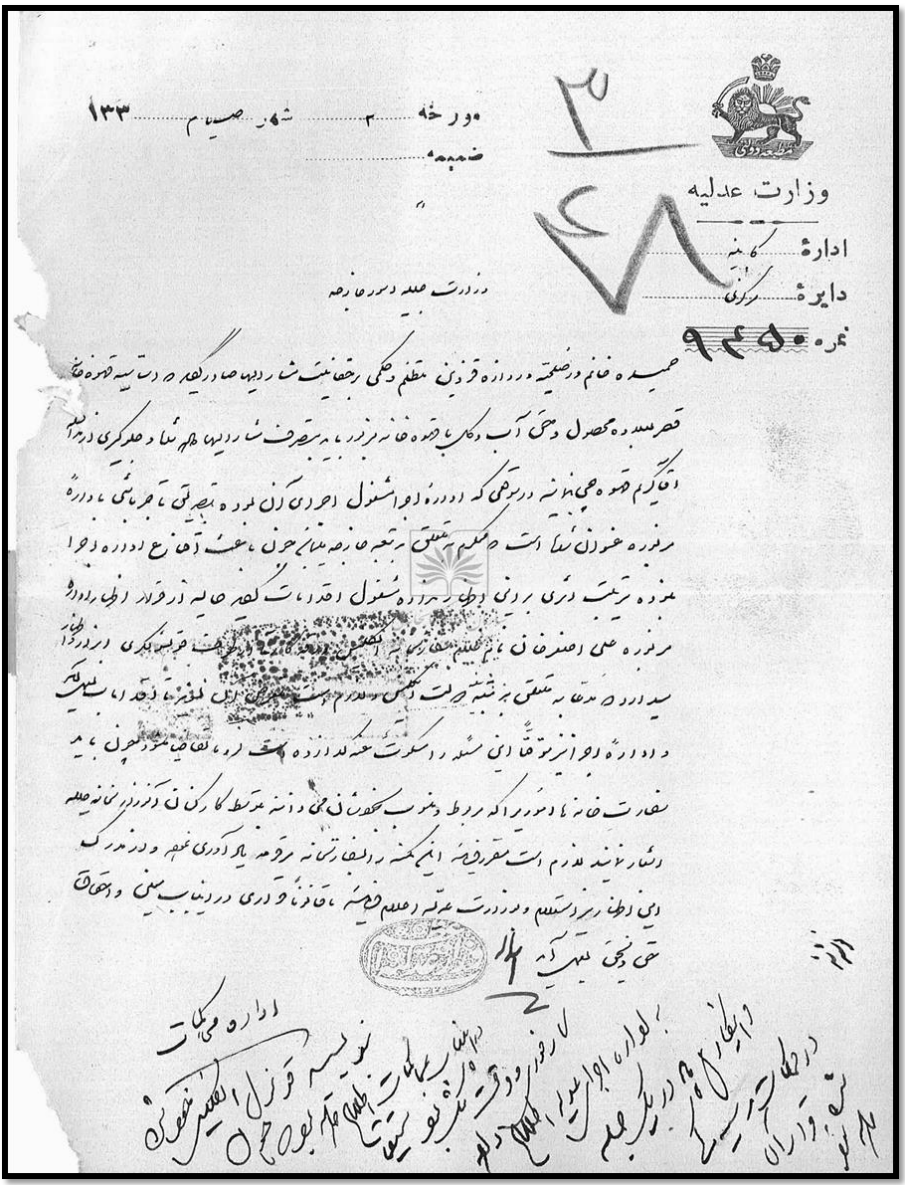
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]


وزارت عدلیه اعظم
عدلیه بنادر جنوب
دایره
نمره ۱۹۷
تاریخ ۱۰ برج
ضمیمه

(ضمیمه شماره۶، ص۳) طرح دعوی کسبه بوشهر علیه خیاط هندی تبعه انگلیس

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

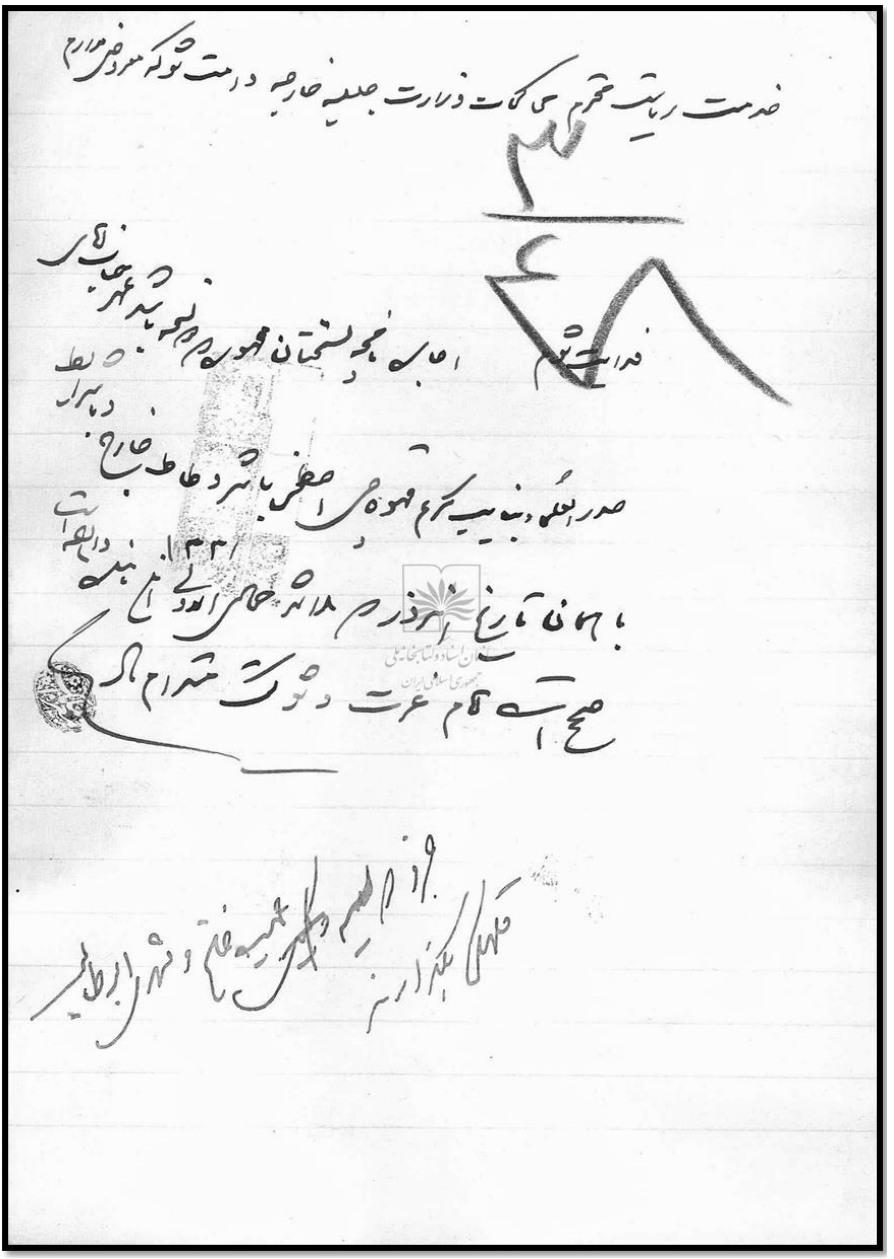
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]


وزارت عدلیه
اداره
دایره
نمره ۹۲۵۰
مورخه ۳ شهر صیام ۱۳۳
ضمیمه

(ضمیمه شماره ۷، ص۱) شکایت وزارت عدلیه از دخالت مستقیم سفارت انگلیس در جلوگیری از اجرای احکام

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

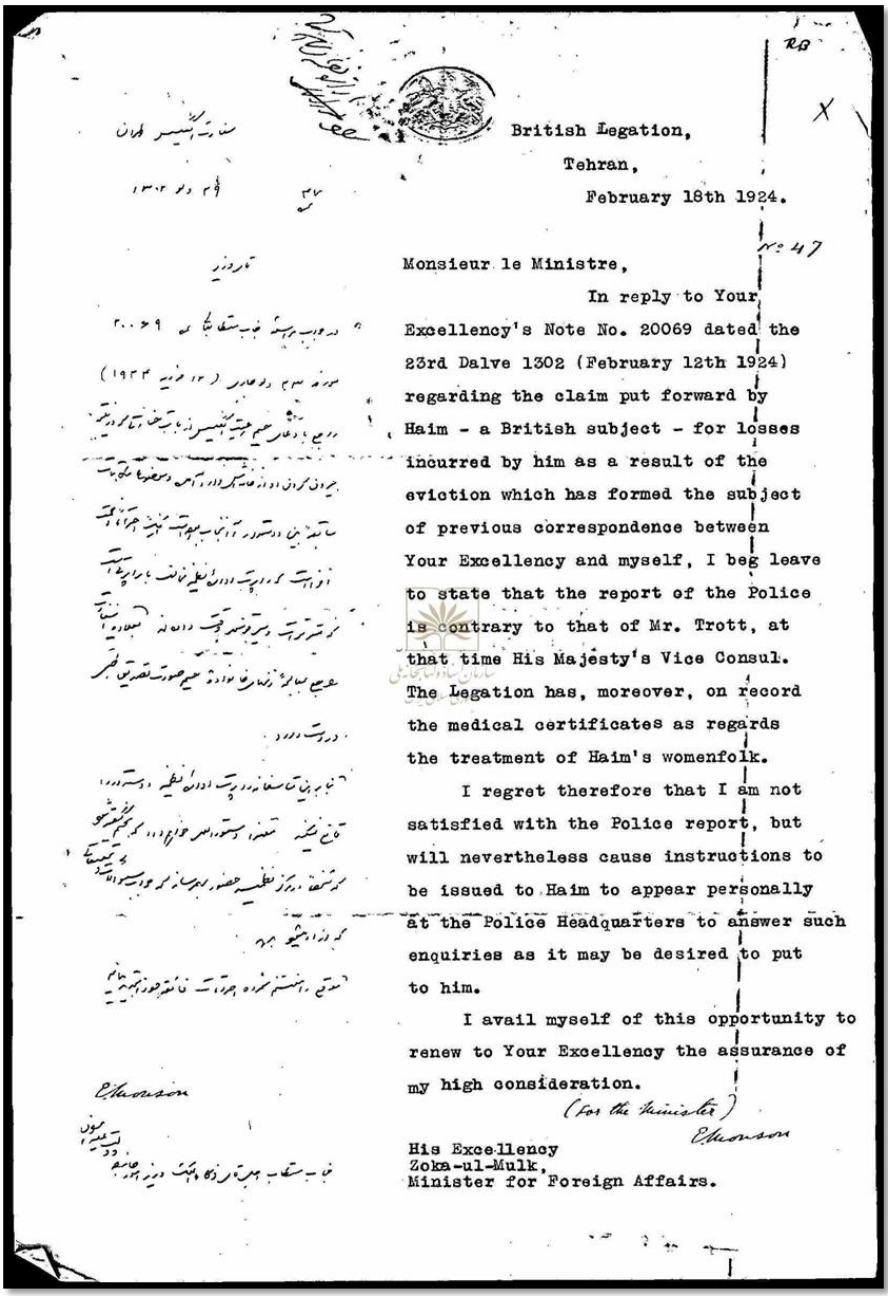
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



(ضمیمه شماره ۷، ص۲) شکایت وزارت عدلیه از دخالت مستقیم سفارت انگلیس در جلوگیری از اجرای احکام

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



British Legation,
Tehran,
February 18th 1924.

No 47

Monsieur le Ministre,

In reply to Your Excellency's Note No. 20069 dated the 23rd Dalve 1302 (February 12th 1924) regarding the claim put forward by Haim - a British subject - for losses incurred by him as a result of the eviction which has formed the subject of previous correspondence between Your Excellency and myself, I beg leave to state that the report of the Police is contrary to that of Mr. Trott, at that time His Majesty's Vice Consul. The Legation has, moreover, on record the medical certificates as regards the treatment of Haim's womenfolk.

I regret therefore that I am not satisfied with the Police report, but will nevertheless cause instructions to be issued to Haim to appear personally at the Police Headquarters to answer such enquiries as it may be desired to put to him.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

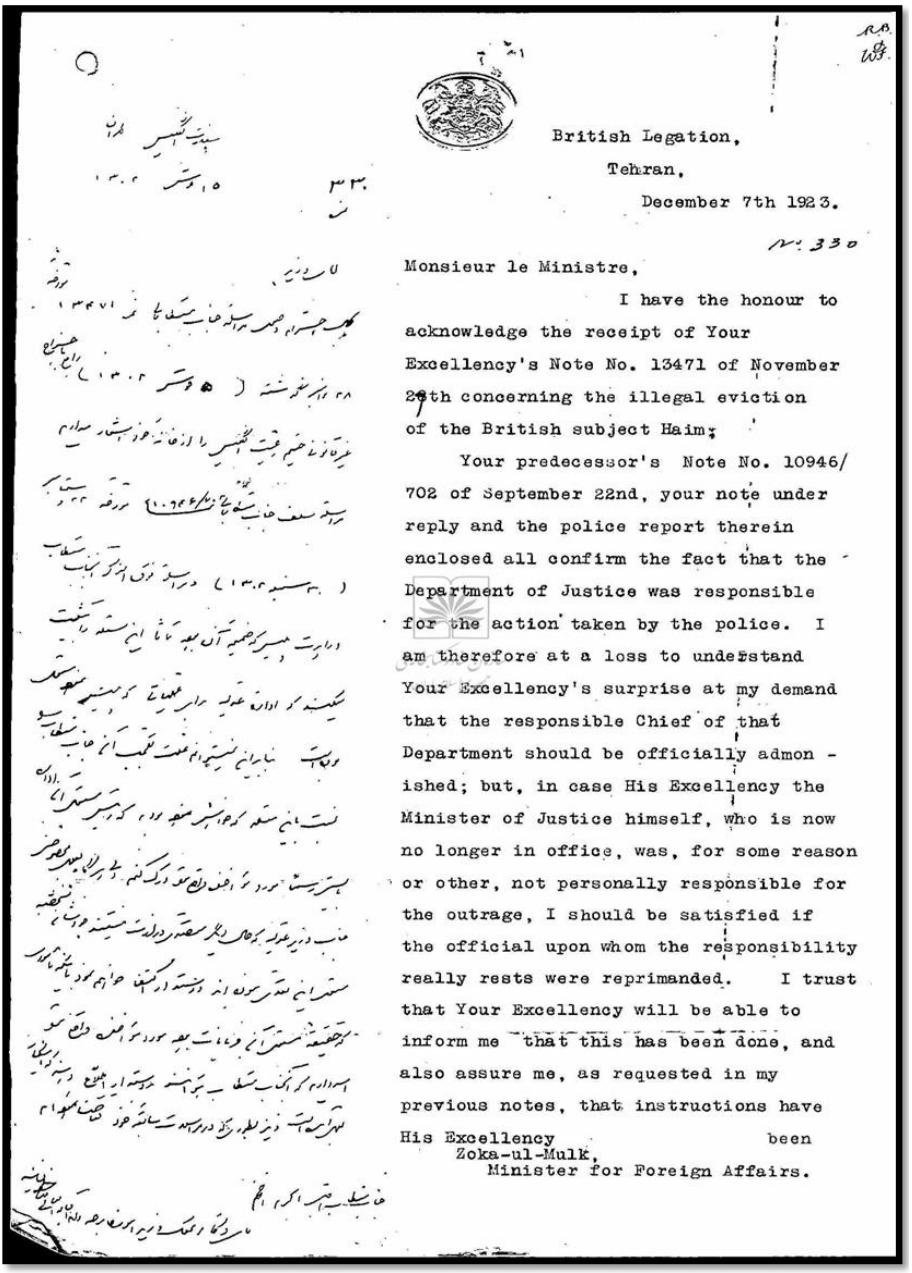
(For the Minister)
Ellonson

His Excellency
Zoka-ul-Mulk,
Minister for Foreign Affairs.

(ضمیمه شماره ۸، ص۱) سوء رفتار مأموران اجرای عدلیه با مأموران انگلیسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



British Legation,
Tehran,
December 7th 1923.

No: 330

Monsieur le Ministre,

I have the honour to acknowledge the receipt of Your Excellency's Note No. 13471 of November 28th concerning the illegal eviction of the British subject Haim;

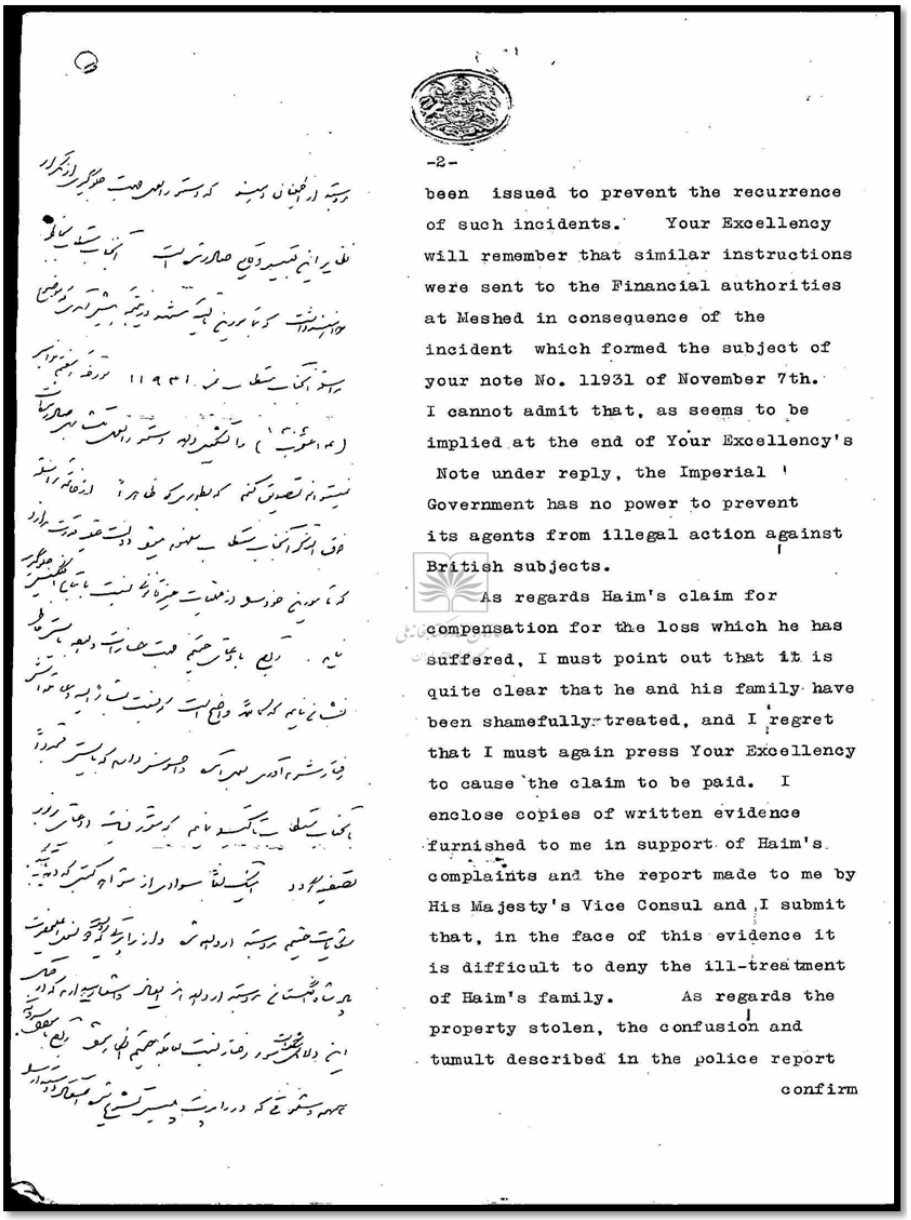
Your predecessor's Note No. 10946/702 of September 22nd, your note under reply and the police report therein enclosed all confirm the fact that the Department of Justice was responsible for the action taken by the police. I am therefore at a loss to understand Your Excellency's surprise at my demand that the responsible Chief of that Department should be officially admon - ished; but, in case His Excellency the Minister of Justice himself, who is now no longer in office, was, for some reason or other, not personally responsible for the outrage, I should be satisfied if the official upon whom the responsibility really rests were reprimanded. I trust that Your Excellency will be able to inform me that this has been done, and also assure me, as requested in my previous notes, that instructions have been

His Excellency
Zoka-ul-Mulk,
Minister for Foreign Affairs.

(ضمیمه شماره ۸، ص۲) سوء رفتار مأموران اجرای عدلیه با مأموران انگلیسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



-2-

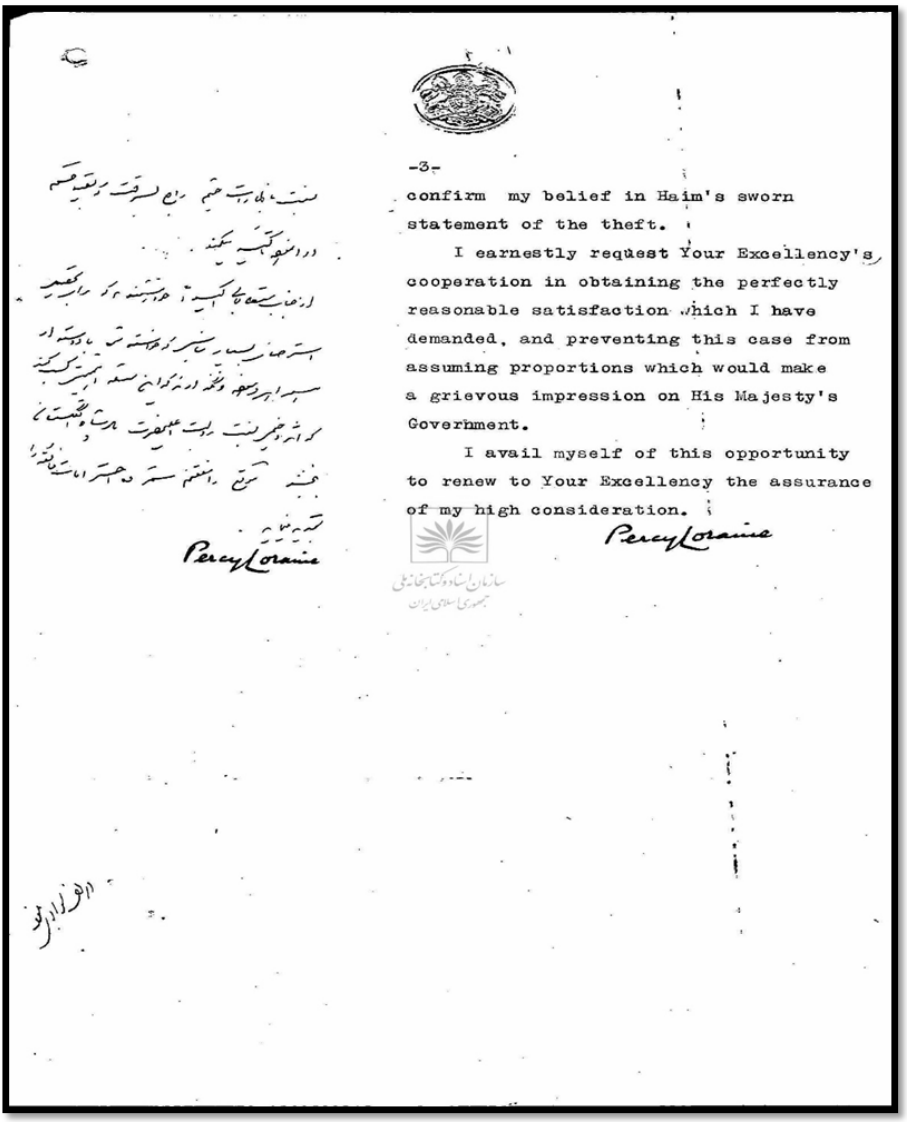
been issued to prevent the recurrence of such incidents. Your Excellency will remember that similar instructions were sent to the Financial authorities at Meshed in consequence of the incident which formed the subject of your note No. 11931 of November 7th. I cannot admit that, as seems to be implied at the end of Your Excellency's Note under reply, the Imperial Government has no power to prevent its agents from illegal action against British subjects.

As regards Haim's claim for compensation for the loss which he has suffered, I must point out that it is quite clear that he and his family have been shamefully treated, and I regret that I must again press Your Excellency to cause the claim to be paid. I enclose copies of written evidence furnished to me in support of Haim's complaints and the report made to me by His Majesty's Vice Consul and I submit that, in the face of this evidence it is difficult to deny the ill-treatment of Haim's family. As regards the property stolen, the confusion and tumult described in the police report confirm

(ضمیمه شماره ۸، ص۳) سوء رفتار مأموران اجرای عدلیه با مأموران انگلیسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]



-3-

confirm my belief in Haim's sworn statement of the theft.

I earnestly request Your Excellency's cooperation in obtaining the perfectly reasonable satisfaction which I have demanded, and preventing this case from assuming proportions which would make a grievous impression on His Majesty's Government.

I avail myself of this opportunity to renew to Your Excellency the assurance of my high consideration.

Percy Loraine

Percy Loraine

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

(ضمیمه شماره ۸، ص۴) سوء رفتار مأموران اجرای عدلیه با مأموران انگلیسی

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

منابع و مآخذ

الف. کتب و مقالات

- امین، سید حسن (۱۳۸۲)، «نظام قضایی ایران از آغاز قاجار تا انقلاب مشروطه»، *فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست*، س۲، ش۹، صص ۲۹-۷۱.
- آبادیان، حسین (زمستان ۱۳۸۹)، «*موازنه شرع و عرف در نظام حقوقی ایران در دوره قاجار*»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، س۲، ش۷، صص۲۴-۷.
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶)، «*افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده قاجار*» ، تهران: نشر اگاه.
- بشیری، احمد (۱۳۶۷)، *کتاب نارنجی*، گزارش سیاسی وزارت خارجه روسیهٔ تزاری دربارهٔ انقلاب مشروطه ایران، تهران: نشر نو.
- ..... (۱۳۶۲)، *کتاب آبی، گزارش‌های محرمانه وزارت امورخارجه انگلیس درباره مشروطه ایران*، ج۱، تهران: نشر نو.
- بیگدلو، رضا (بهار و تابستان ۱۳۹۹)، «خانه‌های انصاف، نوسازی قضایی یا بازگشت به سنت دادرسی»، *مجله علمی- پژوهشی تاریخ ایران*، س۱۳، ش۱، صص۱۰۱-۱۲۰.
- تاجبخش، احمد (۱۳۸۰)، *تاریخ تمدن و فرهنگ ایران اسلامی در دوره قاجار*، شیراز: نوید شیراز.
- جمالزاده، محمدعلی (۱۳۳۵) *گنج شایگان یا اوضاع اقتصادی ایران*، تهران: نشر اداره کاوه.
- دهقانی، رضا (۱۳۹۲)، *تاریخ مردم ایران در دورهٔ قاجار*، تهران: نشر کتاب پارسه.
- سدیدالسلطنه مینابی بندرعباسی، محمدعلی (۱۳۶۲)، *سفرنامه سدیدالسلطنه (التدقیق فی سیر الطریق)*، تصحیح احمد اقتداری، تهران: نشر بهشهر.
- سعادت کازرونی، محمدحسین (۱۳۹۰)، *تاریخ بوشهر*، تصحیح عبدالرسول خیراندیش و عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- ..... (۱۳۶۷)، *تاریخ بنادر و جزایر خلیج فارس در زمان محمدشاه قاجار۱۲۵۰-۱۲۶۴ق*، تصحیح و تحشیه منوچهر ستوده، گیلان: نشرموسسه فرهنگی جهانگیری.
- شهیدی، حمیده (زمستان ۱۳۹۸)، «جایگاه شرع و عرف در نظام قانونگذاری صدر مشروطیت با تکیه بر اسناد عدلیه»، *فصلنامه تاریخ‌پژوهی*، ش۷۹، صص۹۵-۱۱۴.
- شهیدی، حمیده، هادی وکیلی و عباس سرافرازی (زمستان ۱۳۹۶)، «مؤلفه‌های مورد انتظار مردم از عدلیه و تکاپوی دستگاه قضا در برآوردن آن طی سالهای آغازین مشروطه»، *فصلنامه گنجینه اسناد*، س۲۷، ش۴، صص۸۹-۶۷.
- فلور، ویلم و امین بنانی (۱۳۸۸)، *نظام قضایی عصر قاجار و پهلوی*، ترجمهٔ حسن زندیه، قم : پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

- لوریمر، ج. گ. (۱۳۸۸)، *وقایع نگاری خلیج فارس بخش تاریخ ایران*، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: بنیاد ایرانشناسی.
- لمبتن، آن. ک. س. [بی‌تا]، *اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه*، ترجمهٔ منیر برزین، مشهد: [بی‌نا].
- کاکس، سرپرسی (۱۳۸۶)، *مشروطیت جنوب ایران*، ترجمهٔ حسن زنگنه، بوشهر: بنیاد ایران‌شناسی بوشهر.
- کرزن، جرج. ن. (۱۳۴۷)، *ایران و قضیه ایران*، ترجمهٔ غ. وحید مازندرانی، تهران: نشر علمی و فرهنگی.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳)، *ده سال در عدلیه (دوره دوم زندگی احمد کسروی)*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۹۰)، *گزیده اسناد انجمن‌های ایالتی و ولایتی*، تهران: کتابخانه، موزه و مراکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۷)، *تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران*، ج۲، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- *مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۱۳۳۴* [بی‌تا]، تهران: [بی‌نا].
- مروارید، یونس (۱۳۷۷)، *ادوار مجلس قانونگذاری در دوران مشروطیت، از مشروطه تا جمهوری، نگاهی به مجلس دوم و بنیان‌گذاری نظام جدید قضایی*، تهران: نشر اوحدی.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۸۴)، *مذاکرات مجلس اول (توسعهٔ سیاسی ایران در ورطه سیاست بین‌الملل ۱۳۲۴-۱۳۲۶ق)*، تهران: نشر مازیار.
- ونسا، مارتین (۱۳۸۹)، *دوران قاجار؛ چانه‌زنی، اعتراض و دولت در ایران سده نوزدهم*، ترجمهٔ افسانه منفرد، تهران: نشر آمه.

ب. اسناد

- سازمان اسناد و کتابخانهٔ ملی ایران (ساکما)، ۳۵۵۰۰۰۳۴۱، محل در آرشیو، ۴آ۵۰ب خ۱، ۱۳۰۲ش (ضمیمه شماره۱).
- .....، ۳۶۰۰۰۰۶۶۴۷، محل در آرشیو، ۳۱۵ت ۱۳و ا،۱۳۰۲ش (ضمیمه شماره۸).
- .....، ۲۴۰۰۳۰۲۰۱، محل در آرشیو، ۲۰۷ ط۵ ب ۱۱، ۱۳۰۲ش (ضمیمه شماره ۴).
- .....، ۲۹۳۰۰۸۳۵۴، محل در آرشیو ۵۲۹ک ۴ب ۱، ۱۳۰۳ق (ضمیمه شماره ۶).
- .....، ۲۹۸۰۰۰۲۵۷، محل در آرشیو، ۱۳۱۱۰۷ت ۱، ۱۳۲۸ق (ضمیمه شماره۵).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

— .....، ۲۹۸۰۰۳۱۳، محل در آرشیو، ۶۰۲ج۱۳، ۱۳۲۹ق (ضمیمه شماره ۲).
— .....، ۳۵۵۰۰۰۶۳۰، محل در آرشیو، ۵۲۲ب۳خ۱، ۱۳۲۹ق.
— .....، ۳۶۰۰۰۰۲۶۸، محل در آرشیو، ۸۰۸، الف وا، ۱۳۳۱ق (ضمیمه شماره۷).
— .....، ۲۹۶۰۱۲۳۶۶، محل در آرشیو، ۳۲۱، ش آر،۱۳۳۳ق (ضمیمه شماره ۳).

ج. روزنامه‌ها

— *روزنامهٔ آفتاب* (۱۳۳۰ق)، سال اول، شمارهٔ ۴۰، ص۲.
— ..... (۱۳۳۰ق)، سال اول، شمارهٔ ۶۵، صص۱،۲.
— *روزنامهٔ اختر* (۱۲۹۲ق)، سال اول، نمره ۳، ص۳.
— *وزنامهٔ ایران* (۱۲۸۸ق)، نمرهٔ ۲۶، ص۲.
— *روزنامهٔ بی‌طرف* (۱۳۳۱ق)، شماره ۲۳، ص۶.
— *روزنامهٔ چهره‌نما* (۱۳۲۴ق)، سال دوم، ، شماره ۲۵، ص۵.
— *روزنامهٔ جریده ملی* (۱۳۲۴ق)، ص۱.
— *روزنامهٔ حبل‌المتین* (۱۳۱۵ق)، سال ۵، شماره ۲۳، ص۲۲.
— ..... (۱۳۱۸ق)، سال ۶، شمارهٔ ۲۱، ص۶.
— ..... (۱۳۲۹ق)، سال ۱۴، شمارهٔ ۶، ص۲.
— ..... (۱۳۲۴ق)، سال ۱۴، شمارهٔ ۱۹، ص۱۵.
— ..... (۱۳۳۰ق)، سال ۱۹، شمارهٔ ۳۴، ص۱۸.
— ..... (۱۳۳۳ق)، سال ۲۳، شمارهٔ ۱۳، ص۲۱.
— ..... (۱۳۴۳ق)، سال ۳۳، شمارهٔ ۱۱، ص۱.
— *روزنامهٔ قانون* [بی‌تا]، نمره نهم، ص۱.
— ..... [بی‌تا]، نمرهٔ سی‌ام، ص۳۳.
— *روزنامهٔ مجلس* (۱۳۲۵ق)، سال اول، شماره ۱۰۴، ص۳.
— *روزنامهٔ مظفری* (۱۳۲۸ق)، سال دهم، شمارهٔ سوم، ص۱۲.
— *روزنامهٔ وقایع اتفاقیه* (۱۲۸۵ق)، نمرهٔ ۴۰۷، ص۲.
— *یادگار جنوب*، ۱۳۲۹ق: سال اول، شمارهٔ ۳۲، ص۶.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

د. منابع انگلیسی

- Richard, Yann (2019), *Constitutional Revolution: From Illusion to Reality*, Cambridge: Cambridge University Press.

List of sources with English handwriting:

- Amin, Seyed Hassan (2003), "Iran's Judicial System from the Beginning of the Constitutional Revolution", *Quarterly Journal of Research in Law and Politics*, Vol. 2, No. 9, pp. 29–71.
- Abadian, Hossein (Winter 2010), "The Balance of Sharia and Custom in the Iranian Legal System in the Qajar Period", *Quarterly Journal of Islamic History*, Vol. 2, No. 7, pp. 24–7.
- Adamit, Fereydoun and Homa Nategh (1977), *"Social, political and economic thoughts in the unpublished works of Qajar*", Tehran: Agah Publishing.
- Bashiri, Ahmad (1988), *the Orange Book*, Political Report of the Tsarist Russian Foreign Ministry on the Iranian Constitutional Revolution, Tehran: New Publication.
- ..... (1362), *Blue Book*, Confidential Reports of the British Ministry of Foreign Affairs on the Iranian Constitution, Vol. 1, Tehran: New publication.
- Bigdelou, Reza (Spring and Summer 1399), "Houses of Justice, Judicial Renovation or Return to the Judicial Tradition", *Scientific-Research Journal of Iranian History*, Vol. 13, No. 1, pp. 101–120.
- Tajbakhsh, Ahmad (2001), *History of Civilization and Culture of Islamic Iran in the Qajar Period*, Shiraz: Navid Shiraz.
- Jamalzadeh, Mohammad Ali (1335), The *Treasure of Shaygan or the Economic Situation of Iran*, Tehran: Kaveh Office Publishing.
- Dehghani, Reza (2013), *History of the Iranian people in the Qajar period*, Tehran: Parseh Book Publishing.
- Sadid al-Saltanah Minabi Bandar Abbasi, Mohammad Ali (1362), *Travelogue of Sadid al-Saltanah (Al-Tadqiq Fi Sir Al-Tariq)*, edited by Ahmad Iqtadari, Tehran: Behshahr Publishing.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

- Saadat Kazeruni, Mohammad Hossein (2011), *History of Bushehr, edited by Abdolrasoul Khairandish and Emadeddin Sheikh Al-Hakmaei*, Tehran: Written Heritage Research Center.
- ..... (1367), *History of the ports and islands of the Persian Gulf in the time of Mohammad Shah Qajar 1250-1264 AH*, edited and annotated by Manouchehr Sotoudeh, Gilan: Jahangiri Cultural Institute.
- Shahidi, Hamideh (Winter 1398), "The place of Sharia and custom in the legislative system of the early days of constitutionalism based on judicial documents", *Quarterly Journal of Research History*, Vol. 79, pp. 95-114.
- Shahidi, Hamideh, Vakili, Hadi, Sarafrazi, Abbas (Winter 2017), "Components expected by the people from the judiciary and the efforts of the judiciary to meet it during the early years of the Constitution" Quarterly, *Treasury of Documents*, p.4, p. 27, pp. 89-67.
- Flora, Willem and Amin Banani (2009), *Judicial System of Qajar and Pahlavi Era*, translated by Hassan Zandieh, Qom: Research Institute and University.
- Lorimer, J. k. (2009*), Persian Gulf Chronicles, History of Iran*, translated by Abdolmohammad Ayati, Tehran: Iranology Foundation.
- lamton. N. k s. [bītā], *The Social Situation of Iran in the Qajar Era*, translated by Munir Barzin, Mashhad: [bīnā].
- Cox, Supervision (2007), *Constitutionalism of Southern Iran*, translated by Hassan Zanganeh, Bushehr: Bushehr Iranian Studies Foundation.
- Curzon, George. N. (1347*), Iran and the case of Iran*, translated by Gh. Vahid Mazandarani, Tehran: Scientific and Cultural Publishing.
- Kasravi, Ahmad (1323), *Ten years in the judiciary (the second period of Ahmad Kasravi's life)*, [bījā]: [bīnā].
- Kouhestani Nejad, Massoud (2011), Selection of Documents of Provincial and Provincial Associations, Tehran: Library, Museum and Documentation Centers of the Islamic Consultative Assembly.
- Mahboubi Ardakani, Hossein (1978), *History of New Civilization Institutions in Iran*, Volume 2, Tehran: University of Tehran Press.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

– *Debates of the National Assembly*, first period, 1334 [bītā], Tehran: [bīnā].
– Morvarid, Younes (1998), *the Periods of the Legislative Assembly during the Constitutional Era, from the Constitution to the Republic*, a Look at the Second Assembly and the Establishment of a New Judicial System, Tehran: Ouhadi Publishing.
– Mirza Saleh, Gholam Hossein (2005), *Negotiations of the First Parliament (Iran's political development in the abyss of international politics 1324-1326 AH)*, Tehran: Maziar Publishing.
– Vanessa, Martin (1389), *Qajar period; Bargaining, Protest, and the Government in Nineteenth-Century Iran*, translated by Afsane Monfared, Tehran: Ameh Publishing.

B. documents

– *National Archives and Library of Iran* (Sakma), 355000341, location in the archive, 4A 50BKh1, 1302 (Appendix No. 1).
– ....., 3600006647, place in the archive, 315, 13 and A, 1302 (Appendix No. 8).
– ....., 240030201, place in the archive, 207, 5th floor, 1302 (Appendix No. 4).
– ....., 293008354, location in the archive 529K4BA, 1303 AH (Appendix No. 6).
– ....., 298000257, place in the archive, 131107, 1328 AH (Appendix No. 5).
– ....., 29800313, place in the archive, 602 vol. 13, 1329 AH (Appendix No. 2).
– ....., 355000630, place in the archive, 522b3x1, 1329 AH.
– ....., 360000268, place in the archive, 808, A. Va, 1331 AH (Appendix No. 7).
– ....., 296012366, place in the archive, 321, Shar, 1333 AH (Appendix No. 3).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

J. newspapers

- *Aftab newspaper* (1330 AH), first year, number 40, page 2.
- ..... (1330 AH), first year, number 65, pp. 1, 2.
- *Akhtar newspaper* (1292 AH), first year, grade 3, page 3.
- *Iran Newspaper* (1288 AH), No. 26, p.2.
- *Neutral newspaper* (1331 AH), No. 23, p.6.
- *Chehreh Nema newspaper* (1324 AH), second year, number 25, page 5.
- *Jarideh Melli newspaper* (1324 AH), p.1.
- *Habalmutin newspaper* (1315 AH), year 5, number 23, page 22.
- ..... (1318 AH), year 6, number 21, page 6.
- ..... (1329 AH), year 14, number 6, page 2.
- ..... (1324 AH), year 14, number 19, page 15.
- ..... (1330 AH), year 19, number 34, page 18.
- ..... (1333 AH), year 23, number 13 page 21.
- ..... (1343 AH), year 33, number 11, page 1.
- *Law newspaper* [No Date], ninth grade, p.1.
- *Majles newspaper* (1325 AH), first year, number 104, page 3.
- *Mozaffari newspaper* (1328 AH), tenth year, third issue, p.12.
- *Vaqaye Etefaqiyeh newspaper* (1285 AH), number 407, page 2.
- *Yadegar-e-Junub*, 1329 AH: First year, No. 32, p. 6.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1400.13.50.5.2]
[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-21]